



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عَلَّمَ الْقُرْآنَ

WWW.Ghaemiyeh.com
WWW.Ghaemiyeh.org
WWW.Ghaemiyeh.net
WWW.Ghaemiyeh.ir



سلسله مباحث مهدویت

دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر



علی اصغر دایمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه ناشر
۷	پیشگفتار
۱۰	۱ - مهدویت راه گشا به آینده بشریت
۱۰	۲ - شناخت آرمان های اسلامی
۱۲	۳ - ایجاد روحیه امید در سطح جامعه
۱۲	اشاره
۱۳	ضرورت امید
۱۶	اقسام امید
۱۶	امید به آینده ای درخشان با عقیده مهدویت
۱۶	توضیح
۱۷	الف - فرهنگ عاشورا
۱۹	ب - انتظار سبز
۲۳	۴ - هر زمان احتمال فرج است
۲۴	۵ - زمینه سازی برای ظهور
۲۵	۶ - ضرورت معرفت امام زمان علیه السلام
۲۶	۷ - تقریب بین مذاهب و ادیان
۲۶	۸ - طولانی بودن مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام
۳۰	مهدویت؛ عامل وحدت
۳۰	مقدمه
۳۱	موارد اتفاق
۳۱	اشاره

- مورد اول: اتفاق بر اصل قضیه ۳۱
- مورد دوم: اتفاق بر وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام ۳۶
- مورد سوم: اتفاق بر فراگیر بودن دعوت و حکومت او ۴۰
- مورد چهارم: اتفاق بر این که مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله است ۴۲
- مورد پنجم: اتفاق بر این که لقب او «مهدی» است ۴۳
- مورد ششم: اتفاق در برخی از اوصاف شخصی آن حضرت علیه السلام ۴۳
- مورد هفتم: اتفاق بر برخی از علائم ظهور ۴۴
- مورد هشتم: اتفاق بر اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت علیه السلام ۴۶
- مورد نهم: اتفاق بر اصلاح امر او در یک شب ۴۸
- مورد دهم: اتفاق بر بیعت کردن با او بین رکن و مقام ۴۹
- مورد یازدهم: اتفاق بر این که عالم را پر از عدل و داد می کند ۵۰
- مورد دوازدهم: اتفاق بر توسعه اقتصادی در عصر ظهور ۵۱
- مهدویت و مؤلفان فریقین ۵۳
- سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت ۵۸
- فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران ۵۸
- پی نوشتها ۶۳
- درباره مرکز ۷۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱ عنوان و نام پدیدآور: دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر / تالیف علی اصغر رضوانی
مشخصات نشر: قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۷۶ص. فروست: سلسله مباحث مهدویت. شابک: ۳۵۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۲۱-۴؛ ۵۰۰۰ ریال چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۲۱-۹. وضعیت فهرست نویسی: فاپا/ برون سپاری. یادداشت: چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۶. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق - موضوع: مهدویت شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۲۴/ ۸۵۶۶ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۸۳۶۹

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

پیشگفتار

عده ای بر این باورند که طرح و بررسی موضوع مهدویت در عصر غیبت امری بی فایده است، زیرا این موضوع مربوط به آینده بشر است و رخدادهای آینده، امری مجمل و مبهم است. اما آنچه وظیفه ماست این که به وظایفمان در عصر و زمان خود عمل کنیم، چون هر عصر و زمانی مقتضیات خود را می طلبد و از آن جا که ما در عصر و زمان آینده نیستیم، درباره آن هم وظیفه ای نداریم.

دکتر عیداد محمود الحّمّش در این زمینه می گوید: «فالمسلمون اذن فی امسّ الحاجه الی مراجعه انفسهم و مراجعه فکرهم السیاسی والاقتصادی، فمخلّصهم و مخلص الانسانیة کلّها قدظهر، و لو قدر أن ینظر فی آخرالزمان منقذ جدید، فلن یکون اکثر من رجل عظیم من جمله عظماء کثیرین انجبتهم هذه المدرسة النبویة الشریفه، و لا اظنه اعظمهم، فانتظار هذا المنقذ علی هذه الصوره التي تبدو فی کتابات الکاتبین و مقولات المنتظرین، اراها غیر منسجمه مع هذا التصور الصادق الذی ابرزت.

ولیت شعری اینتظر المسلمون الف سنه، وربّما الفین لیتحقّق لهم هذا العدل سبع سنین او تسع سنین، ثمّ ماذا؟

ثمّ لاخير في العين بعده؟ انّ امّه تنتظر من عمرها في الحياه كلّها سبع سنين او حتى سبعين سنه من العدل و الرحمه لا تكون امّه عالمه بدورها و بالسنن الالهيه التي تقوم الدول و الحضارات او تنتهي على وفقها.

وبدلاً من طباعه (٧٥٠) كتاباً عن (المهدى المنتظر) كان يلزمنا ان نبحت عن هذه السنن، ثمّ نقنّها ثمّ نربّي جيلاً من الناس عليها، حتى تقوم على اكتافهم حضاره ربّانيه يمكن أنّ تستمرّ اجيالاً لابضعه سنين. واللّه المستعان؛(١) «مسلمانان هم اكنون احتياج مبرم دارند تا به خود بازگشته و به فكر اوضاع سياسى و اقتصادى خود باشند؛ زیرا نجات دهنده و منجى انسانيت به تمام معنا ظهور کرده است. و اگر فرض شود که در آخرالزمان منجى جديدى ظهور کند بيش از اين نيست که او مردى بزرگوار از جمله بزرگان بسيارى است که مدرسه شريف پيامبر او را تربيت کرده است، و گمان نمى کنم که او بزرگ ترين آنان باشد. لذا انتظار اين منجى به اين صورت که در کتاب نويسندگان و مقالات منتظرين ديده مى شود به نظر من با اين تصورى که ذکر کردم سازگارى ندارد. و اى کاش مى دانستم که آيا بايد مسلمانان هزار سال و چه بسا دو هزار سال بايد به انتظار بنشينند تا آن منجى اين عدل را در مدت هفت يا نه سال پياده کند؟ سپس چه مى شود؟ ديگر بعد از آن خيرى نيست؟ امّتى که براى هفت سال يا حتى هفتاد سال اين همه سرمايه گذارى مى کند تا عدل و رحمت در آن تحقق يابد امّتى نيست که به دين خود عالم بوده و به سنّت هاى الهى که قوام دولت ها و تمدن ها

به آن وابسته است عالم باشد. باید به جای این که ۷۵۰ کتاب درباره مهدی منتظر نوشته می شود از این سنت ها بحث کرده و سپس آن ها را به قانون تبدیل نمود تا با آن ها عده ای را تربیت کرد و این افراد در صدد تربیت دسته هایی از مردم باشند نه این که برای چنین سال سرمایه گذاری نمود.»

فهم آینده، یعنی به دست آوردن تصویری از وضعیت هایی که در آینده تحقق پیدا می کنند از آن جا که این وضعیت ها بستر عمل فرد هستند بنابراین، تصویر مزبور در عمل امروز ما دخالت دارد. هر عملی که مرتکب می شویم در مرحله ای به تصویری که از آینده داریم ربط پیدا می کند، و از آن فراتر بدون تصویری از آینده، اعمال ما صورت نمی گیرد. «جیمز دی تور» معتقد است:

«یکی از مأموریت های آینده پژوهی این است که به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده محک زده و شفاف نماید تا کیفیت تصمیم هایی که برای آینده می گیرند بهبود یابد. دیگر آنکه آینده پژوهی در صدد کمک به مردم است تا تصویرها و اقدام های خود را از حدّ کوشش های فقط منفعلانه فراتر برده و بکوشند تا آینده را پیش بینی کرده و سپس بر پایه پیش بینی های درست تر طرح های عملی خود را اجرا کرده و به پیش ببرند. این فقط گام اول آینده نگری است. گام بعدی ایجاد تصویرهای مثبت از آینده و اقدام به طرح ریزی و تصمیم گیری بر اساس آن تصویرهای مثبت است...» (۲)

پاسخ ما این است: بحث و بررسی از آینده درخشانی که در انتظار بشر است نه تنها بی فایده نیست بلکه آثار و فواید بسیاری بر آن مترتب است که به

برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱ - مهدویت راه گشا به آینده بشریت

مرحوم شهید مطهری می‌فرماید: «آرمان قیام و انقلاب مهدی علیه السلام یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از این که الهام بخش ایده و راهگشای به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی...» (۳)

امروزه در تمام جوامع بشری و کشورهای جهان مراکز تحقیقاتی و پژوهشی در خصوص مسائل استراتژیک تأسیس شده تا با ترسیم آینده، منافع خود را بر اساس آن استوار کنند و با پیشرفت روزافزون جایگاهی عظیم در میان جوامع داشته باشند. اسلام، خصوصاً مکتب تشیع خط مشی خاصی را برای آینده بشر ترسیم کرده که اگر مسلمانان، بلکه تمام مردم عالم بر اساس آن حرکت کرده و در راه رسیدن به آن هدف بکوشند، به سعادت و کمال و نجات از ظلم و بی‌عدالتی خواهند رسید.

بحث از مهدویت در حقیقت بحث از آینده درخشانی است که اسلام برای جامعه بشریت ترسیم کرده است.

۲ - شناخت آرمان‌های اسلامی

همو نیز می‌فرماید: «این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان بینی اسلامی است، برخی فرهنگی و تربیتی است، برخی سیاسی است، برخی اقتصادی است، برخی اجتماعی است، برخی انسانی، یا انسانی طبیعی است.» (۴)

ادیان الهی و بخصوص اسلام، با ظهور خود از ۱۴۰۰ سال پیش، آرمان‌هایی را برای رسیدن بشر به سعادت و رفاه و رهایی از ظلم و بی‌عدالتی در سطح تئوری ترسیم کرده و انبیای الهی، به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای او در صدد پیاده کردن این تئوری در سطح جامعه بوده‌اند، اما در حدی محدود، زیرا بشر اگر چه قابلیت رسیدن به کمال و سعادت و فضایل

عالی اخلاقی را دارد، ولی هنوز این قابلیت به فعلیت نآمده نرسیده و تنها در عصر ظهور است که بشر می تواند در سایه رهبری الهی پیاده کننده دکترین مهدویت و پیروزی حق و عدالت بر ظلم و ستم باشد. در آن عصر و زمان است که آرمان های اسلامی عملاً پیاده می شود و کشتی پرتلاطم بشر به ساحل امن و امان لنگر می اندازد. از همین رو انبیای الهی و در رأس آن ها پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اوصیایشان طراح و تئوریسین مدینه فاضله و نسخه سعادت بخش جامعه بوده و در حدود خود با قابلیت هایی که بشر در طول تاریخ از خود نشان داده در صدد اجرای آن بوده اند، اما تنها عصر و زمانی که این طرح به طور کامل اجرا خواهد شد عصر ظهور است، لذا می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان شیعه کیفیت امامت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور و موقعیت مردم در عصر آن حضرت را به خوبی ترسیم می کنند تا با برنامه ریزی و زمینه سازی در راستای اهداف آن آرمان ها، بشر هر چه زودتر به مقصد نهایی نائل گردد. پس در نتیجه بحث از آرمان های قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام بی فایده نبوده، بلکه الهام بخش و راهگشای آینده است.

این نوید همان گونه که مرحوم شهید مطهری می فرماید - ارکان و عناصر مختلفی دارد، از قبیل:

الف) فلسفی و جهانی، که جزئی از جهان بینی اسلامی است، زیرا یکی از آرمان های بزرگ انقلاب حضرت مهدی علیه السلام رسیدن به عبادت به مفهوم عام یا عدالت به معنای وسیع آن است که در بحثی مستقل به طور مفصل

به آن اشاره کرده ایم.

ب) فرهنگی تربیتی، که برای بشر امروز می تواند الگوی خوبی در راه رسیدن به آن ها باشد.

ج) سیاسی، که با کاربردی کردن آن عناصر در مسائل سیاسی و حکومتی امروز، می تواند حکومت ها را زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام قرار دهد.

د) اقتصادی، که با پیاده کردن آن در حد امکان می توان زمینه را برای رسیدن به رفاه کامل فراهم ساخت.

ه) اجتماعی، که بشر با در نظر گرفتن و در مقابل خود قرار دادن و در نتیجه کاربردی کردن آن عناصر می تواند به مدینه فاضله مهدوی علیه السلام نزدیک شود.

از همین رواست که خداوند متعال در قرآن کریم در مواضع متعدد اشاره به پیاده شدن آرمان های اسلامی در عصر ظهور دارد و می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (۵) «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

۳- ایجاد روحیه امید در سطح جامعه

اشاره

امید و آرزو از ویژگی های انسان است که در زمره فطریات بشر قرار دارد، زیرا هر دو نگاهی به آینده دارند و هنوز ثابت نشده که در میان جانداران، جاندارای آینده نگر باشد. هم چنین دانسته نشده جانورانی که لانه می سازند و یا خوراک می اندوزند، این کار را از روی دانش و بینش انجام دهند، یا آن که خودشان بدانند چه می کنند. از این روی می توان گفت لانه سازی و خوراک اندوزی جانوران از روی غریزه است، پس امید و آرزو و آینده نگری از ویژگی های انسان است و بس.

امید و آرزو هر دو نمایانگر خواسته های بشر بوده و هر

دو پیک سعادت و نوید خوشبختی اویند.

تفاوت امید و آرزو در این است که امید همراه عقل بشر است و خواسته اش خردمندانه و امکان پذیر بوده و به محال تعلق نمی پذیرد، اما آرزو چنین نیست و گاهی با عقل هماهنگ و زمانی ناهماهنگ است و به محال ها تعلق می گیرد و تقاضای هست شدن نشدنی ها را دارد.

آرزومند می نشیند و انتظار رسیدن به آرزویش را دارد و هرگز گامی به سوی مقصد بر نمی دارد، ولی امیدوار چنین نیست؛ در پی امیدش می رود و هر گامی که بر می دارد به امیدی می رسد، چون امید اصلی به وجود آورنده امیدهای فرعی است و هر یک از این ها که محقق شود پایه ای می گیرد تا به سوی امید بالاتر گامی بردارد. هنگامی که امید بیشتر و نیرومندتر شد، هدف و آرمان می گردد و آرمان عقلایی و امید خردمندانه هر دو با یکدیگر همگام و همراه خواهند شد.

ضرورت امید

ضرورت امید آن چنان روشن است که دلیلی نمی طلبد و بدون امید لازم نیست برای چیزی تلاش و تکاپو نمود؛ تا جایی که نباید برای سطرهای بعدی کوشید و چیزی نوشت.

رسول خدا می فرماید: «اگر امید نبود، مادری فرزند خود را شیر نمی داد و کسی درختی نمی کاشت.» (۶)

ولی این امر حیاتی می تواند صورتی شرّ به خود بگیرد؛ این همان شکلی است که ما شرّ را تحمل می کنیم، به این امید که خود از بین برود و می گوئیم، امیدوارم فردا بهتر شود. آه می کشیم و به جای آن که اقدامی برای خلاص شدن از آن انجام دهیم دست روی دست می گذاریم و به امید فردا می نشینیم. (۷)

در اندیشه دینی، امید فعال ستوده شده و امید منفعل و بی تلاش هرگز

مطلوب نیست. امام علی علیه السلام امیدواری منفی را چنین به تصویر کشیده است:

«لا-تکن ممن یرجوا الآخره بغير العمل، و یرجى التوبه بطول الأمل. یقول فی الدنیا بقول الزهدین، و یعمل فیها بعمل الراغبین و إن أُعطی منها لم یشبع، و إن مُنع منها لم یقنع. یعجز عن شکر ما أوتی، و یتغی الزیاده فیما بقی. ینهی و لا ینتهی، و یأمر بما لا یأتی. یحب الصالحین و لا یعمل عملهم، و یتغص المذنبین و هو أحدهم. یکره الموت لکثره ذنوبه، و یقیم علی ما یکره الموت من أجله. إن سقم ظلّ نادماً و إن صحّ أمنّ لاهیاً، یعجب بنفسه إذا عوفی، و یقنط اذا ابتلی. إن أصابه بلاء دعا مضطراً، و إن ناله رخاء اعترض مغتوراً. تغلبه نفسه علی ما تظنّ، و ما لا یغلبها علی ما یتیقن. یخاف علی غیره بأدنی من ذنبه، و یرجو لنفسه بأکثر من عمله. إن استغنی بطرّ و فتنّ، و إن افتقر قنط و وهن. یقصر إذا عمل، و یبالیغ إذا سأل. ان عرّضت له شهوه أسلف المعصیه و سوف التوبه. إن عرّته محنه انفرج عن شرائط المله یصف العبره و لا یعتبر، و یبالیغ فی الموعظه و لا یتعظ فهو بالقول مدلّ، و من العمل مقلّ. ینافس فیما یفتی، و یسامح فیما یبقى...» (۸) از کسانی مباش که بدون عمل امید سعادتِ آخرت را دارند و توبه را با آرزوهای دور و دراز تأخیر می اندازند. درباره دنیا همچون زاهدان سخن می گویند، ولی همچون دنیا پرستان عمل می کنند. هر گاه چیزی از دنیا به او برسد سیر نشود و اگر نرسد قناعت کند. از شکر آنچه به او داده شده عاجز است، ولی باز هم

فزونى

می طلبید. دیگران را از کار بد نهی می کند، اما خودش از کار بد باز نمی ایستد. دیگران را به چیزی امر می کند که خودش انجام نمی دهد. نیکان را دوست می دارد، اما عمل آن ها را انجام نمی دهد. گنه کاران را دشمن می دارد، اما خودش یکی از آن هاست.

به خاطر زیادی گناهانش از مرگ بیزار است، اما بر همان گناهان پایدار است. اگر بیمار شود پشیمان می گردد و اگر تندرست گردد احساس امنیت می کند و به لهُو می پردازد. به هنگام سلامت مغرور است و به هنگام گرفتاری ناامید. اگر بلایی به او رسد خدا را به زاری می خواند و اگر به آسایش رسد همچون مغروران از خدا روی برمی گرداند نفس او با گمان بر او غلبه می کند، اما در موضوعات یقینی مغلوب نفس می شود. برای دیگران به کمترین گناهی می ترسد، ولی برای خودش بیش از آنچه عمل کرده امیدوار است.

اگر بی نیاز شود مغرور و مفتون می گردد و اگر فقیر شود ناامید و سست می گردد. در عمل کوتاهی می کند و در خواش و خواستن مبالغه. هر گاه شهوتی بر او عارض شود گناه را جلو می اندازد و توبه را تأخیر و اگر محنتی به او رسد صبر و شکیبایی را به کلی از دست می دهد. عبرت آموختن را توصیف می کند، ولی خود عبرت نمی گیرد. سخن بسیار می گوید، اما عمل نمی کند. در گفتن، بسیار گفتار و در عمل اندک کردار در آنچه ناماندنی است خود را بر دیگری پیش دارد و آنچه را ناماندنی است آسان شمارد...».

خداوند متعال می فرماید: «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِيَّ أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا* وَمَنْ يَعْمَلْ

مِنَ الصَّالِحَاتِ مَنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا؛ (۹) «کار، نه با آرزوی شما و نه آرزوی اهل کتاب است، هر کس کار بد کند کیفر آن را خواهد دید و به جز خدا کسی را یار و یاور خود نخواهد یافت. هر کس از زن و مرد کارهای شایسته انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد وارد بهشت شده و به اندازه پوست سبک هسته خرما به آنان ستم نخواهد شد».

اقسام امید

فرد بشر امیدی دارد و اجتماع بشر امیدی. امید فرد ویژه خود اوست و امید اجتماع برای افرادی است که در آن اجتماع شرکت دارند. گاه امید فرد برای اجتماع است و فردی در راه آرمان اجتماع می کوشد. این گونه افراد خدمت گزار بشرند.

امید اجتماعی وقتی شدت یافت هدف اجتماعی و آرمان بشری خواهد شد و همان طور که امید فرد خود به خود انجام شدنی نیست و برای رسیدن به آن باید در پی آن روان شد، امید اجتماعی نیز چنین است؛ باید کوشید، رنج برد و مقاومت کرد تا بدان رسید. از این جاست که عظمت مقام انبیا و اولیا شناخته می شود، زیرا این بزرگواران می کوشند که اجتماع بشری را به سوی آسایش و نیک بختی و سعادت رهنمون کنند.

امید به آینده ای درخشان با عقیده مهدویت

توضیح

در طول تاریخ انقلاب های گوناگونی، از قبیل: فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... صورت گرفته است، ولی اکثر این انقلاب ها یا در شروع موفق نبوده یا این که در بین راه با مشکلات فراوانی مواجه شده و با دشمنان خود نتوانسته است دوام بیاورد و قبل از رسیدن به اهداف و آرمان های خود شکست خورده است. انقلاب کردن آسان است و انسان ها هنگام انقلاب با شور و شوق و انرژی فراوانی که دارند می توانند با دشمنانشان بجنگند و آن ها را از حدّ و مرز خود بیرون کنند، اما این شور و هیجان همیشگی نبوده و در صورت مواجهه با مشکلاتی که دشمنان قسم خورده آن ملت فراهم کرده، دوام نمی آورند و در نتیجه در مقابل آن ها تسلیم می شوند.

اسلام که در مکتب تشیع تبلور یافته برای پرکردن این خلأ در جامعه خود طرح جدیدی را پیش روی پیروان

خود قرار داده که با عمل کردن والتزام به آن هیچ گاه طعم تلخ شکست و ناکامی را نخواهند چشید.

تشیع دو عامل و سوژه مهمی برای پیروزی جامعه خود دارد که نه تنها توانسته با وجود دشمنان بسیار، خود را از گزند آنان حفظ نماید بلکه روز به روز پیشرفت کرده و حتی جوامع دیگر اسلامی را نیز از خواب غفلت بیدار نموده است. این دو عامل عبارتند از فرهنگ عاشورا، و انتظار سبز:

الف - فرهنگ عاشورا

قیام حسینی و فرهنگ عاشورا جرعه خوبی برای بیداری ملت ها و انقلاب و ستیز آن ها در برابر ظالمان است، زیرا با ملاحظه شعارهای حسینی علیه السلام که با حماسه و عاطفه همراه است، مانند: «هیهات منّا الذلّه» و «مثلی لا یباع مثله»، «إِنّی أُرید أن آمر بالمعروف وأنهی عن المنکر» و غیره، بشر را نیرو بخشیده و در برابر ظالمان به حقوق دیگران و تحریف کنندگان اسلام ناب قیام خواهند کرد. ما الآن نمونه آن را در انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق و حتی در کشورهای اسلامی و غیراسلامی می بینیم.

گانندی رهبر نهضت هند بر ضدّ استعمار انگلستان، مردم هندوستان را با اقتدا به قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام از یوغ اسارت استعمارگران نجات داد.

مارین، محقق آلمانی می گوید: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که موجب امیدواری و رستگاری شیعه است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است.» (۱۰)

پتروشفسکی، تاریخ دان و ایران شناس علوم شوروی سابق در این زمینه می نویسد: «چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت های قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند مقام بلندی داشته است، ولی در قرن چهاردهم میلادی این عقیده

کنفرانس تل آویو

در دسامبر ۱۹۸۴ (۱۳۶۵ ه. ش) در دانشکده تاریخ دانشگاه تل آویو با همکاری مؤسسه مطالعاتی شیلوهه - که یک مؤسسه مطالعاتی غیر انتفاعی و مرتبط با صهیونیسم است - کنفرانسی با حضور سیصد شیعه شناس درجه یک جهان برگزار شد و در آن ظرف مدت سه روز سی مقاله ارائه شد و به قول مارتین کرامر، یکی از شیعه شناسان جهان که دبیر این کنفرانس بود، هدف اصلی از برپایی این کنفرانس، شناخت مفاهیم محوری در تمدن شیعه اثناعشری و بعد بالطبع شناسایی انقلاب اسلامی سال ۵۷ در کشور ایران بود. شیعه شناسان برجسته ای در این کنفرانس شرکت داشتند، امثال: دانیل برومبرگ، ماروین زونیس، مایکل ام جی فیشر، برنارد لویس و خود مارتین کرامر و دیگر شیعه شناسان و شرق شناسان.

مقالاتی که در این کنفرانس ارائه شد در صد در صد تفصیلی، تحقیقی و مبتنی بر پیچیده ترین متن تحقیق و عمیق ترین روش ها در بررسی دین و مکتب و تمدن بود. در سخنرانی مقدماتی این کنفرانس - که آقای «مارتین کرامر» ارائه کرد - هدف اصلی شناسایی مفاهیم محوری در تمدن شیعه به دلیل شناخت انقلاب اسلامی ذکر شد. در این کنفرانس بعد از تحلیل بسیار، دو مفهوم محوری بحث و بررسی و شناسایی شد. از دید این شیعه شناسان، مفهوم محوری اول: آن نگاه سرخی است که شیعیان به صحرای کربلا دارند و قدر مسلم، خون شیعه در قیام های متعدد، مستقیماً مشروب شده از صحرای کربلا در سال ۶۱ هجری است.

در این کنفرانس مسائلی درباره امام حسین علیه السلام ذکر شد که از آن جمله مقاله ای است با عنوان «تشیع به روایت

امام خمینی». نویسندگان این مقاله دو نفر به نام های: «مرو بن زونیس و دانیل برومبک» بودند. در بخشی از این دو مقاله آمده است: تأکید بر شهادت در عقیده امام خمینی، نشان می دهد که شهادت نقش مهم و ویژه ای در تشیع ایفا می کند. تفکر سنی به هیچ وجه با مفهوم شهادت بیگانه نیست، اما این مفهوم در این تفکر دارای مقام محوری نیست، زیرا اسلام سنی از یک شخصیت مذهبی، مانند امام حسین علیه السلام که در راه عقیده خود فدا شده باشد الهام نمی گیرد. اما در تشیع اثنا عشری موضوع شهادت امام حسین علیه السلام و تا حدی شهادت سایر ائمه علیهم السلام محوری است. امام حسین علیه السلام با قربانی کردن جان خود در راه اسلام، تکلیف نسل های بعدی شیعیان را مشخص کرده است. همه ساله در ماه محرم و در روز عاشورا؛ یعنی سالروز شهادت امام حسین علیه السلام با برگزاری مراسم پرشور و شرح وقایع جان گداز کربلا خاطره شهادت او گرامی داشته می شود. این موضوع به آیین های تشیع مضمونی فوق العاده و احساسی می بخشد.

در میزگرد دیگری که افرادی چون: میشل فوکو، کلر بریر، پیربلانشه - که دو نفر از روزنامه نگاران برجسته فرانسوی بودند - حضور داشتند درباره قیام امام حسین علیه السلام و نقش آن در تمدن شیعی مطالبی بسیار ظریف بیان شد؛ از آن جمله کلر بریر گفت: «در ایران تظاهرات، به معنای واقعی آن است و بهتر است از واژه شاهد استفاده کنیم. در ایران مردم از حسین حرف می زنند، باری این حسین کیست؟...» (۱۲)

ب - انتظار سبز

دومین محور نگاه سبزی است که شیعیان اثنا عشری به آن توجه دارند؛ یعنی امام زمان، حضرت مهدی موعود علیه السلام، امامی زنده

و ناظر به اعمال و رفتار شیعیان، کمک کار و حافظ آنان در سطح کلّ.

می دانیم که هر قیام و نهضت ضد استبدادی و استکباری هر قدر در اصول و مبانی خود راسخ تر باشد دشمنانش بیشتر و دشمنی آنان شدیدتر خواهد بود، لذا چه بسا به جهت سست شدن در عقیده به زانو در آمده و از مواضع اصولی عقب نشینی کنند. اما در جامعه شیعی این مشکل حلّ شدنی است، زیرا جامعه شیعی با آن تمدن و نگاه سبزشان امیدوار به ظهورند و این اعتقاد از جهت روانشناسی اثر عمیقی در روحیه شیعیان می گذارد.

در کشور فلسطین، بزرگ ترین عامل انتفاضه و تحرک علیه اسرائیل غاصب؛ بهره گیری از فرهنگ عاشورا و الگوپذیری از قیام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

یکی از مبارزان فلسطینی به نام محمد شحاده که مدّتی در زندان های اسرائیل به سر برده و الآن یکی از رهبران انتفاضه است، بعد از تحقیقات فراوان در مورد مکتب تشیع به حقّانیت آن اعتراف نموده است. او در مصاحبه ای به انگیزه استبصار خود و علل و عوامل پیروزی ملت فلسطین در مقابل استکبار و اسرائیل جنایت کار اشاره کرده می گوید: «أدعو أحرار العالم إلى الاقتداء بإمام الأحرار الحسين عليه السلام؛ من آزاد مردان جهان را به اقتدا به پیشوای آزاد مردان حسین علیه السلام دعوت می کنم».

همو در جایی دیگر می گوید: «فأنتی كنت أتعاطف كثيراً مع مظلومیة آل البيت عليهم السلام، و كان ثمه إحساس يعتريني بأنّ علی بن أبي طالب علیه السلام مظلوم حقّاً. و هذا الاحساس بالمظلومیة بدأ يتجذر و یزداد عمقاً کَلَمَا اشدتّ علی ظلم الاحتلال»؛ «به راستی که من در بسیاری از مواقع عاطفه ام به جهت مظلومیت اهل بیت علیهم السلام

برانگیخته می شود. هم چنین در خود احساسی می بینم که در من عارض شده به این که علی بن ابی طالب علیه السلام حقاً مظلوم بوده است و این احساس در وجودم روز به روز ریشه دارتر و عمیق تر می شود، هر مقدار که ظلم اشغالگری بر ملت فلسطین بیشتر می شود...».

همو در جای دیگر می گوید: «لإمام قائم آل بيت النبوه عليهم السلام برکات تحرّکنا و تعطينا الفعاليه الدائمه بالتّجاه النصر و التحضير لفرحه القريب إن شاء الله، وأهتف بحضرتہ مناجياً و راجياً: يا مهدى أدرکنا الآن؟» «از جانب قائم اهل بيت نبوت: به ملت فلسطین برکاتی می رسد که - انشاء الله تعالی - ما را تحرّکی بخشیده و نیز انگیزه ای برای فعالیت دائمی برای رسیدن به پیروزی و امید برای آن در ما ایجاد خواهد نمود. من هر روز با او ارتباط برقرار کرده با او مناجات و نجوا می کنم و به او عرضه می دارم: ای مهدی! در این موقعیت حساس ما را در یاب.».

وی در جای دیگر از مصاحبه خود می گوید: «سأعمل نشر المذهب الإمامی فی فلسطین، و أدعو الله یساعدنی»؛ «به زودی برای نشر مذهب امامیه در فلسطین سعی خواهم کرد و از خداوند می خواهم که مرا در این راه مساعدت و یاری نماید.»

و نیز می گوید: «أنّی فی مختلف المهرجانات الخطابیه الّتی تقام فی فلسطین، و الّتی اخطب فیها للآلاف من الناس أركز کلماتی علی شخصیات و مواقف و سیره أهل بیت النبوی علیهم السلام، و هذا یسهم کثیراً فی تغییر الصوره السائده فی المجتمع تجاههم صلوات الله علیهم حتّی یعرفوا قدرهم، و یقتدوا بهم، فیتحقّق النصر بإذن الله...»؛ «من در جشن های خطابی و جلساتی که برای سخنرانی در فلسطین

تشکیل می شود، در حالی که در آن جلسات هزاران نفر وجود دارند، محور اساسی سخنانم را در معرفی شخصیت ها و بیان موقف ها و سیره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می دهم و این به نوبه خود سهم به سزایی در تحوّل ملت فلسطین و توجه آن ها به اهل بیت علیهم السلام داشته است؛ تا این که آن ها را شناخته و با پیروی از آنان به اذن خداوند به نصرت و یاری برسند.»

همو در قسمتی دیگر از مصاحبه اش می فرماید: «سأعمل - إن شاء الله - على نشر مذهب أهل البيت عليهم السلام أنا و جمع من إخواني المؤمنين راجياً من الله العليّ القدير أن ينشر هذا المذهب ليمهد الطريق أمام قدوم مهدي آل محمد عجل الله فرجه الشريف»؛ (۱۳) «به زودی - إن شاء الله - من و جمعیتی از برادران مؤمن در نشر مذهب اهل بیت علیهم السلام خواهیم کوشید با امید از خداوند علیّ قدیر که این مذهب را منتشر کرده تا زمینه را برای قدوم و تشریف فرمایی حضرت مهدی آل محمد - عجل الله فرجه الشريف - فراهم نماید.»

همان گونه که گفته شد عامل دیگر در پیروزی تشیع و جامعه شیعی فرهنگ انتظار و اعتقاد به امام زمان حیّ و زنده است که شیعه او را حاضر و ناظر بر اعمالش می داند و در مواقع اضطرار به فریاد آن ها خواهد رسید. همه ادیان و مکاتب و مذاهب اسلامی معتقد به آمدن منجی در آخر الزمان اند، ولی تنها مکتبی که منجی را حیّ و حاضر در میان خود می داند «تشیع» است. از همین رو نظریه نجات، مسئله ای زنده در جامعه شیعی است، بر خلاف سایر مذاهب اسلامی

بیشتر انقلاب ها و نهضت ها در ابتدا شروع خوبی داشته اند، ولی از آن جهت که ماهیت انقلاب شان ظلم ستیزی و مبارزه فرهنگی یا سیاسی با استکبار بوده دشمنان در طول مدت بعد از پیروزی به مبارزه جدی همه جانبه با آن نهضت پرداخته اند، لذا پس از مدتی روحیه یأس و ناامیدی در آن ها حاکم شده و صحنه را خالی کرده اند و انقلاب به بوته فراموشی سپرده شده و تنها در صفحات تاریخ ثبت شده است. اما نهضت شیعی این خلأ و مشکل را چاره جویی کرده است، به این صورت که شیعه به امامی حقی و حاضر معتقد است و با امید به ظهور و قیام او به سر می برد؛ لحظه شماری می کند و با این روحیه امید تا به حال توانسته است خود را زنده و شاداب نگه دارد و در مقابل تبلیغات دشمنان و مبارزه آن ها استقامت کرده و دوام آورد.

از همین رو غرب در برنامه ریزی های خود برای مبارزه با اسلام راستین به سراغ مسائل زیربنایی رفته و آن ها را مورد هدف خود قرار داده است باب نمونه برنامه های ویدئویی که شرکت های مختلف غربی بر ضد بنیادهای اصیل اسلامی تهیه می کنند، می بینیم که از همه بیشتر مسئله مهدویت در اعتقاد شیعی را زیر سؤال برده و برضد آن برنامه ریزی کرده و فیلم می سازند.

۴- هر زمان احتمال فرج است

در روایات اسلامی نه تنها اشاره ای به زمان دقیق ظهور منجی بشریت نشده بلکه تعیین کننده وقت آن نیز تکذیب شده است، لذا در روایتی آمده است: «كذب الوقتون»؛ «وقت تعیین کنندگان دروغ می گویند». یکی از اسرار آن، شاید این باشد که بشر همیشه برای عصر

ظهور آماده باشد؛ زیرا امکان دارد هر لحظه حضرتش ظهور کند و او را در تشکیل و پیاده کردن حکومت عدل جهانی و توحیدی شرکت دهد. از آن جا که وقت تشکیل این حکومت مشخص نیست و هر لحظه می تواند زمان ظهور باشد، لذا وظیفه ماست که نظری به مباحث مهدویت و ظهور کرده و خصوصیات عصر ظهور و وظایف در آن عصر را بدانیم....

۵- زمینه سازی برای ظهور

عصر ظهور و برپایی حکومت عدل توحیدی جهانی و برچیده شدن ظلم و بی عدالتی نه تنها خواسته انبیا و اوصیای الهی در طول تاریخ بشر بوده بلکه خواسته فطری بشر است.

از طرفی دیگر، رسیدن به این حکومت و عصر شرایطی دارد که بعضی از آن ها به دست خود بشر حاصل می گردد که از آن جمله رسیدن بشر به تکامل همه جانبه است، لذا بر ماست که آرمان های اصیل اسلامی را در عصر ظهور بدانیم تا بتوانیم هر چه بهتر در نزدیک شدن آن سهیم بوده و زمینه ساز ظهور آن حضرت باشیم.

امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید: «لِیَعْدَنَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَيْتِهِ رَجُوتَ لِأَنَّ يَنْسِي فِي عَمْرِهِ حَتَّى يَدْرُكَهُ وَ يَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ انصاره؛(۱۴) باید هر کدام از شما برای خروج قائم آمادگی پیدا کند، اگر چه با تهیه کردن یک تبر باشد، زیرا وقتی خداوند می بیند کسی به نیت یاری مهدی علیه السلام اسلحه تهیه کرده، امید است که عمرش را دراز کند، تا ظهورش را درک نماید و از یارانش باشد.»

در روایت دیگری آمده است که راوی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ

لاستقامت له الأمور عفواً، و لا يهريق محجه دم، فقال: كلاً، والذي نفسى بيده لو استقامت لأحدٍ عفواً لاستقامت لرسول الله صلى الله عليه وآله حين أدميت ربايعه و شتّح في وجهه، كلاً والذي نفسى بيده حتى نمسح نحن و أنتم العراق والعلق، ثم مسح بجبهته؛ (۱۵) روای می گوید به خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می گویند چون مهدی علیه السلام قیام کند، کارها خود به خود درست می شود و به اندازه حجامتی خون نمی ریزد؟ حضرت فرمود: هرگز چنین نیست به خدای جان آفرین سوگند! اگر قرار بود کار برای کسی خود به خود درست شود برای پیامبر صلی الله علیه وآله درست می شد، هنگامی که دندانش شکست صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود به خدای جهان آفرین سوگند! کار درست نخواهد شد تا این که ما و شما در عرق و خون غرق شویم؛ آن گاه به پیشانی خود دست کشید.»

۶- ضرورت معرفت امام زمان علیه السلام

بحث از مهدویت در اسلام، از اموری نیست که مربوط به آینده بشر باشد تا اشکال نخست مطرح شود، بلکه بحث از امامت و مهدویت این است که در هر زمانی باید امام معصومی باشد خواه حاضر و مشهور و خواه غایب و پنهان تا حجت ها و بینات خداوند باطل نگردد؛ از همین رو در روایات اسلامی می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من مات و لم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة؛ (۱۶) هر کس بمیرد و پیشوای زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

بحث از امامت و مهدویت، بحث از غیبت و فلسفه آن و آثار و برکات وجود امام در این عصر است. بحث از امامت

و مهدویت در این زمان، بحث از کیفیت و چگونگی ارتباط انسان با امام خود در این عصر است. بحث از امامت و مهدویت، بحث از وظایف و تکالیف شیعه در عصر غیبت است... .

۷- تقریب بین مذاهب و ادیان

از آنجا که اعتقاد به نجات بشر در آینده ای نه چندان دور از باورهای فطری تمام صاحبان ادیان و مذاهب بلکه کلّ بشر است، لذا این موضوع بستر مناسبی برای گفت و گو است تا از این طریق به زندگی مسالمت آمیز بین انسان ها برسیم.

مسئله اعتقاد به نجات بشر از ظلم و بی عدالتی و تبعیض، پیروزی حق و عدالت بر باطل و بی عدالتی و گسترش حکومت الهی کم و بیش مورد اتفاق بین تمام مکتب ها و ملت ها خصوصاً ادیان الهی است، هر چند در خصوصیات و مصداق آن اختلافاتی وجود دارد. امّا آنچه مورد اتفاق است اعتقاد به اصل قضیه است که بشر روزی روی خوش و سعادت را در پایان تاریخ خود خواهد دید و در مورد اختلاف جزئی نیز می توان از راه هایی به حلّ آن ها پرداخت.

۸- طولانی بودن مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

مطابق قواعد عمومی، حدّ زمان لازم برای حکومت عدل جهانی توحیدی امام زمان علیه السلام باید وقت وسیعی باشد که بتواند اهداف عالی خلقت بشر در این دنیا در آن مدّت زمان تحقق یابد. این مطلب را با مقدماتی کوتاه تقریر می کنیم:

الف. هدف از خلقت ایجاد عبودیت خالص در سطح کلّ جامعه است، عبودیت در سطح وسیعش به نحو استغراقی نه بدلی. خداوند متعال می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ (۱۷) «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند.»

ب. حضرت مهدی علیه السلام با برپایی حکومت جهانی اش در پیاده نمودن این هدف سهم عظیمی دارد.

ج. پیاده کردن این هدف عظیم احتیاج به زمان کافی دارد، زیرا اصل بر عدم معجزه است.

نتیجه: بقای امام و حکومت او در مدت کافی برای تطبیق هدف عالی خلقت

انسان ضروری است، زیرا هدف خلقت بشر بر دو نوع است:

۱ - هدف کلی: برای مجموعه بشر که در نهایت باید به نحو عام استغراقی، تمام بشر به کمال برسند.

۲ - هدف مقطعی: که برای بشر در هر برهه زمانی متصور است و آن به نحو عام بدلی برای برخی از افراد بشر تحقق یافته است.

مفاد روایات در این زمینه بر دو دسته اند:

الف. روایاتی که دلالت دارند بر این که مدت بقای حکومت حضرت، ده سال یا کمتر است. این قول مشهور بین علما بوده و غالب روایاتش در مصادر اهل سنت یافت می شود.

ب. برخی روایات دیگر دلالت دارد بر این که مدت حکومت حضرت بیش از ده سال است.

روایاتی از نوع اول ۱ - ابو داوود به سندش از ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «مهدی از من است... و هفت سال حکومت خواهد کرد». (۱۸)

۲ - ترمذی به سند خود از ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «همانا در میان امتم مهدی است که خروج خواهد کرد و در مدت پنج یا هفت یا نه سال حکومت خواهد نمود». (۱۹)

روایاتی از نوع دوم ۱ - قندوزی حنفی از حذیفه بن یمان نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی مردی از اولاد من است... بیست سال حکومت خواهد نمود». (۲۰)

۲ - سیوطی به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «مهدی در مدت سی یا چهل سال متولی امر مردم خواهد شد». (۲۱)

۳ - شیخ طوسی به سندش از جابر از امام باقر علیه السلام در حدیثی نقل می کند که به حضرت عرض کردم:

چه مدت قیام حضرت در جهان طول خواهد کشید؟ حضرت فرمود: «نوزده سال». (۲۲)

۴- و نیز به سندش از ابن ابی یعفور نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: «حکومت قائم ما نوزده سال و چند ماه خواهد بود». (۲۳)

۵- و نیز از عبدالکریم خثعمی نقل می کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مدت حکومت قائم علیه السلام چه مقدار است؟ حضرت فرمود: «هفت سال، خداوند روزها و شب ها را طولانی خواهد کرد به حدی که یک سال از سال های او به مقدار ده سال از سال های شما است. لذا مدت حکومت آن حضرت هفتاد سال از سال های شما خواهد بود». (۲۴)

و نیز به سندش از ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «همانا قائم سیصد و نه سال حکومت خواهد نمود همان گونه که اهل کهف در غارشان درنگ کردند، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد». (۲۵)

توجیه روایات با توجه به روایات موجود درباره مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام سه قول وجود دارد:

۱- ترجیح روایات هفت سال این قول شواهد و مؤیداتی نیز دارد:

الف. از شهرت در عمل برخوردار است.

ب. این روایات بنا بر قول ابوالحسین آبروی مستفیض یا متواتر است. (۲۶)

ج. قیام و حکومت حضرت مهدی علیه السلام در مدت هفت سال فضیلتی برای آن حضرت است.

د. روایات هفت سال به روایتی تقیید می خورد که هر سال از آن هفت سال را برابر ده سال می داند که مجموع آن هفتاد سال می شود، که در نتیجه مدت معقولی برای برپایی حکومت عدل جهانی است.

و نیز ممکن است که روایت فوق را حمل بر مبالغه

در طولانی بودن مدت حکومت حضرت نمود، زیرا عدد هفتاد به جهت مبالغه به کار می رود.

۲ - حمل روایات به مرحله حیات و حکومت احتمال دوم آن است که روایات مختلف را بر دو مرحله حمل کنیم:

الف. مرحله حیات امام زمان علیه السلام بعد از ظهور؛ که کمتر از ده سال است.

ب. مرحله حکومت عدل جهانی توحیدی؛ که بیش از ده سال به طول خواهد انجامید. خصوصاً آنکه با رجعت هر یک از امامان قبل از برپایی قیامت و بعد از ظهور حضرت، حکومت عدل جهانی توحیدی ادامه خواهد یافت.

۳ - حمل بر مراحل شدت و ضعف ممکن است اختلاف مدت در حکومت حضرت را به مراحل قوت و ضعف حمل نمود.

سفارینی می گوید: «بر فرض صحت تمام روایات می توان همه را این گونه حمل کرد که حکومت حضرت از حیث ظهور و قوت متفاوت است، مدت بیشتر را حمل بر تمام مدت حکومت از اول زمان بیعت تا آخر حکومت حمل می کنیم. و مدت زمان کمتر را بر حدّ اقلّ ظهور و مدت حدّ وسط را نیز بر حدّ وسط ظهور و قوت حمل می نماییم». (۲۷)

خلاصه کلام سفارینی این است که ایشان مراحل حکومت حضرت را بر سه بخش تقسیم می کند:

الف. مرحله ظهور و قوت که در آن زمان، امور رتق و فتق می شود (حدّ اقل).

ب. مرحله تثبیت و آرامش (حدّ وسط).

ج. مرحله نهایی، و نهایت حکومت حضرت (حدّ اکثر).

بحث از مهدویت از دیدگاه اهل سنت دکتر محمّد احمد اسماعیل مقدّم در کتاب المهدیّ وفقه أشراف الساعة در جواب اشکالی از بحث مهدویت و این که چه ثمره ای بر آن مترتب می شود، به نکاتی پرداخته که به

برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - تصدیق و اعتقاد به این امور علمی خبری که از آن به «جانب نظری دین» تعبیر می‌کنیم و وحی نیز از آن خبر داده واجب است، زیرا این مسایل اصل دین و خالص اسلام و جوهر توحید است...؛

۲ - ایمان به این امور از لوازم شهادت به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛

۳ - تصدیق این امور از مستلزمات ایمان به روز قیامت است، زیرا از جمله علائم قیامت خروج مهدی علیه السلام است که قبل از برپایی قیامت تحقق خواهد یافت و همان گونه که اعتقاد به معاد و برپایی قیامت لازم است، اعتقاد به علائم آن نیز لازم می‌باشد.

۴ - تصدیق به خروج مهدی علیه السلام داخل در ایمان به قدر الهی است، زیرا علم خلق به مقدرات الهی از دو طریق حاصل می‌شود: یکی وقوع شیء و دیگری اخبار از جریان‌های گذشته یا واقعه‌ای که در آینده اتفاق خواهد افتاد... (۲۸)

مهدویت؛ عامل وحدت

مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم بر موضوع وحدت و اتحاد گروه‌ها و فرقه‌های مختلف امت اسلامی تأکید فراوان کرده و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ (۲۹) «به راستی مومنان برادران یکدیگرند».

و نیز می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ (۳۰) «و هرگز راه اختلاف و تنازع که موجب تفرقه در اسلام است نپوید که در اثر تفرقه ترسو و ضعیف شده، قدرت شما نابود خواهد شد».

و نیز می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۳۱) «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید».

در میان جوامع اسلامی برخی از اعتقادات وجود دارد که می‌تواند محور خوبی برای وحدت در بین جامعه باشد یکی از آن‌ها مودت و دوستی اهل بیت علیه السلام و

دیگری اعتقاد به مهدی منتظر علیه السلام است. اعتقاد به منجی را حتی می توان زمینه و بستر مناسبی برای گفت گو و تقریب بین ادیان دانست؛ زیرا ادیان و مکاتب و ملت ها هر یک به نوعی معتقد به ظهور منجی برای عالم بشریت در آخر الزمان اند؛ هر چند در کیفیت و چگونگی آن با یکدیگر اختلاف دارند. ما در این کتاب یکی از محورهای وحدت بین امت اسلامی، یعنی بحث از مهدویت و موارد اتفاقی در آن را بررسی می کنیم امیدواریم که این بحث وسیله ای برای تألیف قلوب مسلمانان باشد.

موارد اتفاق

اشاره

در زمینه مهدویت مسائل و مواردی بین شیعه و اهل سنت اتفاقی است. ما ضمن اشاره به این موارد، برای هر کدام شاهدی از روایات فریقین یا کلمات علمای هر دو فرقه خواهیم آورد. و از آنجا که روایات در مصادر حدیثی مورد اتفاق و قبول اهل سنت است، لذا به عنوان نظر مذاهب اسلامی از آن یاد می شود.

مورد اول: اتفاق بر اصل قضیه

یکی از موارد اتفاق بین شیعه و سنی در قضیه مهدویت اتفاق بر اصل آن قضیه است. امت اسلامی - مگر عده قلیلی از غریزگان و روشنفکر نمایان مثال احمد امین مصری و شاگردانش - بر این مسئله اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی به نام مهدی، از ذریه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، از اولاد حضرت زهرا علیها السلام، ظهور کرده، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و ...

عمده علت تأکید بر این اعتقاد، وجود روایات بسیار و در حد تواتر درباره این قضیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت در کتاب های حدیثی مسلمین است. معلوم است هر قضیه ای که به حد تواتر برسد از دایره شک و ظن خارج می شود و انسان را به یقین می رساند. و همان گونه که در علم حدیث و اصول به آن اشاره شده، حدیث متواتر احتیاج به بررسی سندی ندارد؛ زیرا از راه تراکم احتمالات می تواند انسان را به یقین برساند. (۳۲)

سخنان عالمان شیعه ۱. شهید صدر رحمه الله مرحوم علامه شهید صدر می فرماید: «ان فكره المهدي (عج) بوصفه القائد المنتظر لتغيير العالم الى الأفضل قد جاء في أحاديث الرسول الأعظم عموماً و في روایات ائمه اهل البيت عليهم السلام خصوصاً. و أكدت في

نصوص کثیره بدرجه لایمکن ان یرقی إليها الشک. و قد أحصى أربعاً حديث عن النبي صلى الله عليه وآله من طرق إخواننا اهل السنه، كما أحصى مجموع الأخبار الواردة في الإمام المهدي عليه السلام من طرق الشيعة والسنه، فكان أكثر من سته آلاف روايه. و هذا رقم إحصائي كبير لا يتوفر نظيره في كثير من قضايا الاسلام البديهي التي لا يشك فيها مسلم عاده؛ (۳۳) «به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمد است. در روایات فراوان به حدی بر این مسئله تأکید شده که جای هیچ شکی برای انسان باقی نمی گذارد. و تنها از طریق برادران اهل سنت، حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه وآله درباره حضرت مهدی علیه السلام احصا و شماره شده است؛ همان گونه که مجموعه روایات مهدویت که از طریق شیعه و سنی رسیده و احصا شده، بیش از شش هزار روایت برآورد شده است؛ و این، رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدهی برای آن نظیری نیست؛ قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی کنند.»

۲. شیخ محمد رضا مظفر رحمه الله او می گوید: «انّ البشارة بظهور (المهدي) من ولد فاطمه في آخر الزمان ليملا الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً ثابته عن النبي صلى الله عليه وآله بالتواتر و سجلها المسلمون جميعاً فيما رووه من الحديث عنه على اختلاف مشاربهم. وليست هي بالفكره المستحدثه عند الشيعة، دفع اليها انتشار الظلم و الجور فحملوا بظهور من يطهر الارض من رجس الظلم، كما

یرید ان یصورها بعض المغالطین غیر المنصفین. ولولا- ثبوت فکره المهدی علیه السلام عن النبی علی وجه عرفها جمیع المسلمین و تنبعث فی نفوسهم و اعتقدوها لما كان یتمکن مدّعو المهدیه فی القرون الاول کالکیسانیه و العباسیین و جمله من العلویین و غیرهم من خدعه الناس و استغلال هذه العقیده فیهم طلباً للملک و السلطان، فجعلوا ادعائهم المهدیه الکاذبه طریقاً للتأثیر علی العامه، و بثّ نفوذهم علیهم»؛ (۳۴) «مسأله بشارت به ظهور مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه زهرا علیها السلام در آخر الزمان و این که زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد، از مسائلی است که به طور متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است و مسلمانان نیز در کتاب های روایی خود آن ها را نقل کرده اند. اعتقاد به مهدی، عقیده جدید نزد شیعه امامیه نیست که به جهت انتشار ظلم و جور به آن روی آورده و به ظهور کسی که زمین را از پلیدی ظلم پاک کند معتقد شده باشند. عده ای غیر منصف در صدد ارائه تصویری این گونه از قضیه مهدویت اند. اگر قضیه مهدویت که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است نزد جمیع مسلمین ثابت نبود و در نفوس آن ها رسوخ پیدا نکرده بود، هرگز مدعیان مهدویت، همانند کیسانیه و عباسیین و جماعتی از علویین و دیگران، نمی توانستند در طول قرن ها برای رسیدن به ملک و سلطنت، مردم را فریب دهند و با مستمسک قرار دادن این عقیده، ادعای مهدویت نمایند. اینان توانستند از راه ادعای دورغین مهدویت راهی برای تأثیر در عموم مردم پیدا کنند و از این طریق نفوذ خود را در میان مردم

کلمات علمای اهل سنت ۱. حافظ ابن حجر عسقلانی او می گوید: «تواتر الاخبار بآن المهدی من هذه الأمة و أن عیسی بن مریم سینزل و یصلی خلفه»؛ (۳۵) «اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر این که مهدی از این امت (اسلام) است و به راستی عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و پشت سر او به نماز می ایستد.»

۲. قاضی شوکانی او می گوید: «و هی متواتره بلاشک و شبهه، بل یصدق وصف التواتر علی ما دونها علی جمیع الاصطلاحات المحرره فی الأصول»؛ (۳۶) «احادیث مهدی بدون شک و شبهه متواتر است، بلکه عنوان تواتر بر کمتر از مقدار از این احادیث نیز صدق می کند؛ آن هم با تمام اصطلاحاتی که در علم اصول در رابطه با تواتر و خبر متواتر آمده است.»

۳. ابن حجر هیتمی او می گوید: «والاحادیث التي جاء فيها ذكر ظهور المهدی علیه السلام کثیره متواتره»؛ (۳۷) «احادیثی که در آن اشاره به ظهور مهدی است بسیار زیاد و به حد تواتر است.»

۴. علامه مناوی او می گوید: «اخبار المهدی کثیره شهیره أفرادها غیر واحد فی التألیف»؛ (۳۸) «اخبار مهدی زیاد و مشهور است؛ به حدی که جماعتی درباره این احادیث تألیفات مستقلی دارند.»

۵. تفتازانی او می گوید: «مما یلحق بیاب الامامه خروج المهدی علیه السلام و نزول عیسی و هما من اشراط الساعه و قد وردت فی هذا الباب أخبار صحاح»؛ (۳۹) «از جمله اموری که ملحق به باب امامت می شود خروج مهدی و نزول عیسی است، که این دو از علائم قیامت است و در این باره خبرهای صحیحی رسیده است.»

۶. قرمانی دمشقی او می گوید: «اتفق العلماء علی أن المهدی هو القائم فی آخر الزمان، و قد تعاضدت الأخبار علی

ظهوره و تظاهرات الروایات علی اشراق نوره و ستسفر ظلمه اللیالی و الأيام بسفوره و تنجلی برؤیته الظلم انجلاء الصبح عن دیجوره و یسیر عدله فی الآفاق فیکون أضوء من البدر فی مسیره»؛ (۴۰) «علما بر این امر اتفاق کرده اند که مهدی همان قیام کننده در آخرالزمان است و اخبار ظهور آن حضرت علیه السلام یکدیگر را تأیید می کنند و روایات بر اشراق نورش دلالت دارند، و به زودی ظلمت و تاریکی شب ها و روزها به روشنایی وجود او منور خواهد شد و تاریکی ها به رؤیت و دیدار او همانند بیرون آمدن صبح از ظلمت شب از میان خواهد رفت. عدل او در افق ها سیر خواهد کرد و پر نورتر از ماه منیر در مسیرش خواهد بود.»

۷. مبارکفوری او می گوید: «واعلم أنّ المشهور بین الکافه من أهل الاسلام علی ممّر الأعصار أنّه لابد فی آخرالزمان من ظهور رجل من أهل البيت یؤید الدین و یظهر العدل و یتبعه المسلمون و یتولی علی الممالک الاسلامیه و یسمی بالمهدی»؛ (۴۱) «بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان ها این است که به طور حتم در آخرالزمان شخصی از اهل بیت علیهم السلام ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کرده، عدل را میان جامعه ظاهر می کند و مسلمانان به دنبال او می روند و او بر ممالک اسلامی سلطه پیدا خواهد نمود. و او مهدی نامیده می شود.»

شبهه این عبارت نیز از شیخ منصور علی ناصف رسیده است. (۴۲)

به همین مضمون در کلمات بزرگانی دیگر از علمای اهل سنت نیز مطالبی می یابیم که موارد ذیل از آن جمله است:

۸. برزنجی، الإشاعه لأشراط الساعه، ص ۸۷.

۹. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنه النبویه، ج ۴، ص ۲۱۱.

سید احمد زینی دحلان، الفتوحات الاسلامیه، ج ۲، ص ۳۲۲.

۱۱. أبوالأعلى مودودی، البينات، ص ۱۱۶.

۱۲. أبوطیب قنوجی، الاذاعه، ص ۵۳.

۱۳. دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی، المهدی المنتظر فی الأحادیث الصحیحه، ص ۳۶۰.

۱۴. شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد، عقیده أهل السنه و الأثر فی المهدی المنتظر.

۱۵. شیخ عبدالعزيز بن باز، مجله جامعه الاسلامیه.

مورد دوّم: اتفاق بر وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام

قضیه امام مهدی علیه السلام از امور غیبی است که از طریق وحی به آن خبر داده شده است. قرآن کریم به صراحت بر این نکته تأکید دارد که یکی از علائم و نشانه های پرهیزکاران ایمان به غیب است. خداوند متعال می فرماید: «الم * ذلک الکتاب لا- رَبَّ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ (۴۳) «الم در آن کتاب شکی نیست، برای متقین مایه هدایت و رستگاری است. متقین کسانی اند که ایمان به غیب دارند...».

خروج امام زمان علیه السلام در آخرالزمان از امور غیبی است که در مصادر اسلامی به آن اشاره صریح و بلیغ شده است. لذا بر ما واجب است که برای وارد شدن در جرگه مؤمنین به آن ایمان آوریم؛ زیرا حد فاصل بین جامعه مؤمنان که به رسالت های الهی اعتقاد دارند و جوامع مادی که به این گونه امور اعتقادی ندارند، ایمان به غیب و ماورای طبیعت و شهود است.

به همین دلیل، جماعتی از علمای شیعه و اهل سنت بر لزوم اعتقاد به خروج حضرت مهدی علیه السلام استدلال نموده اند که به بعضی از سخنان آنان اشاره می کنیم.

الف) نقل سخنان علمای شیعه شیخ صدوق رحمه الله بعد از بحث درباره وجوب اعتقاد و ایمان به قیام حضرت حجت علیه السلام و نقل روایات متعدد در این موضوع و انطباق «ایمان به غیب» که یکی از صفات

متقین در سوره بقره شمرده شده، بر یکی از مصادیق بارزش، یعنی ایمان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، می فرماید: «وَلَا يَكُونُ الْإِيمَانُ صَحِيحًا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ عِلْمِهِ بِحَالِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ، كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (۴۴) فلم يوجب لهم صحه ما يشهدون به الا من بعد علمهم. ثم كذلك لن ينفع ايمان من آمن بالمهدى القائم عليه السلام حتى يكون عارفاً بشانه فى حال غيبته»؛ (۴۵) «ایمان از شخص مؤمن به آن حضرت علیه السلام بدون علم به حال امام زمان علیه السلام صحیح نخواهد بود، همان گونه که خداوند متعال می فرماید: «الا من شهد بالحق و هم يعلمون؛ مگر کسانی که شهادت به حق دادند در حالی که می دانند. گواهی شهادت دهندگان به حق صحیح واقع نمی شود مگر بعد از این علم. مسئله امام زمان علیه السلام نیز چنین است؛ زیرا ایمان کسی که به قضیه مهدویت اعتقاد دارد به او نفعی نمی رساند مگر در صورتی که عارف به شأن آن حضرت علیه السلام در زمان غیبت باشد».

به همین سبب در روایات شیعه و سنی مشاهده می کنیم که منکر خروج مهدی علیه السلام کافر شمرده شده است. جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که می فرمود: «من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما أنزل علی محمد، و من أنکر نزول عیسی فقد کفر و من أنکر خروج الدجال فقد کفر. فإنّ جبرئیل علیه السلام أخبرنی بأنّ الله عزوجل یقول: «من لم یؤمن بالقدر خیره و شرّه فلیأخذ رباً غیری»؛ (۴۶) «کسی که منکر خروج مهدی است، به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده کافر گردیده است و کسی که

منکر نزول عیسی است کافر است. کسی که منکر خروج دجال است کافر است. به راستی جبرئیل به من خبر داد که خداوند متعال می فرماید: هر کس که ایمان به قدر - چه خیر آن و چه شر آن - نداشته باشد، باید پروردگاری غیر از من را برگزیند.»

در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند متعال: «الم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» می خوانیم که آن حضرت فرمود: «متقین شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب نیز همان حجت غائب است، یعنی مهدی منتظر. (۴۷)»

در روایتی امام صادق علیه السلام یکی از مصادیق غیب را خروج مهدی علیه السلام در آخرالزمان ذکر می کند.

ب) نقل عبارات علمای اهل سنت ۱ - احمد بن محمد بن صدیق می گوید: «...فالايمان بخروجه واجب و اعتقاد ظهوره تصدیقاً لخبر الرسول محتم لازب كما هو مدون في عقائد أهل السنة و الجماعة من سائر المذاهب و مقرر في دفاتر علماء الامه على اختلاف طبقاتها و المراتب...»؛ (۴۸) ایمان به خروج مهدی واجب، و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله حتمی و ثابت است، همان گونه که در عقاید اهل سنت و جماعت از جمیع مذاهب اسلامی تدوین شده و نیز در دفاتر علمای امت با اختلاف طبقات و مراتب آنان تقریر گردیده است.»

۲ - سفارینی حنبلی می گوید: «فالايمان بخروج المهدي واجب كما هو مقرر عند أهل العلم و مدون في عقائد أهل السنة و الجماعة؛ (۴۹) ایمان به خروج مهدی واجب است، همان گونه که نزد اهل علم تقریر یافته و در عقائد اهل سنت و جماعت تدوین

۳ - شیخ ناصرالدین البانی می گوید: «إِنَّ عَقِيدَةَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ ثَابِتَةٌ مَتَوَاتِرَةٌ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجِبُ الْإِيمَانُ بِهَا؛ لِأَنَّهَا مِنْ أُمُورِ الْغَيْبِ وَالْإِيمَانُ بِهَا مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ كَمَا قَالَ «الم» * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ » وَإِنَّ انْكَارَهَا لَا يَصْدُرُ إِلَّا مِنْ جَاهِلٍ مَكَابِرٍ. أَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَتُوفَانَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهَا وَبِكُلِّ مَا صَحَّ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَنِ»؛ (۵۰) «همانا عقیده به خروج مهدی عقیده ای است ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از امور غیب است که ایمان به آن در قرآن کریم از صفات پرهیزکاران شمرده شده است. خداوند می فرماید: «این کتاب، شک در آن نیست (و) راهنمای پرهیزکاران است. آن کسانی که به جهان غیب ایمان آوردند. همانا، انکار این عقیده، جز از فرد جاهل زورگو صادر نمی گردد. از خداوند متعال می طلبم که ما را بر ایمان به این عقیده و به هر امری که به طور صحیح از کتاب و سنت ثابت شده بمیراند.»

۴ - استاد عبدالمحسن بن حمد العباد می گوید: «والتصديق بها داخل في الإيمان بأنَّ محمداً رسول الله صلى الله عليه وآله؛ لأنَّ من الإيمان به تصديقه فيما أخبره، و داخل في الإيمان بالغيب الذي امتدح الله المومنين به بقوله: «الم» * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ »؛ (۵۱) «تصديق و اعتقاد به قضیه مهدویت، داخل در ایمان به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ زیرا از آثار ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله تصدیق اوست در اموری که به آن ها خبر داده و نیز داخل در ایمان به غیبی است

که خداوند متعال مؤمنین را به جهت ایمان به آن مدح کرده است؛ آنجا که می فرماید: «این کتاب، شک در آن نیست (و) راهنمای پرهیزکاران است؛ آنان که به غیب ایمان دارند و...»

مورد سوم: اتفاق بر فراگیر بودن دعوت و حکومت او

یکی دیگر از موارد اتفاق در قضیه مهدویت، اتفاق بر فراگیر بودن دعوت و حکومت جهانی آن حضرت علیه السلام است. آیات و روایات بسیاری بر این مسئله دلالت دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

الف) دولت جهانی در قرآن کریم خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (۵۲) «ما بعد از ذکر [تورات در زبور داوود نوشتیم که یقیناً بندگان نیکوکار من زمین را وارث و متصرف خواهند شد.»

و نیز در آیه دیگر می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ (۵۳) «خداوند به کسانی از شما بندگان که (آنان را به خدا و حجت عصر) ایمان آورند و نیکوکار گردند وعده فرموده است که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافت دهد.»

و نیز در جایی دیگر می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (۵۴) «او خدایی است که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان جهان تسلط و برتری دهد.»

ب) دولت جهانی در روایات ۱- حاکم نیشابوری به سندش از ابو سعید خدری نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تملاً الأرض جوراً و ظلماً فيخرج رجل من عترتي يملك الأرض سبعاً أو تسعاً فيملأ الأرض قسطاً و عدلاً»؛ (۵۵) «زمین پر از ستم و ظلم می شود، در این هنگام شخصی

از عترتم خروج می کند و مدت هفت یا نه روز مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.»

۲- و نیز احمد بن حنبل به سندش از ابو سعید خدری نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً وعدواناً. قال: ثم يخرج رجل من عترتي من أهل بيتي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً»؛ (۵۶) «قیامت بر پا نمی شود تا این که زمین پر از عدل و داد شود. فرمود: آن هنگام مردی از عترتم از اهل بیتم خروج کرده، زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.»

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: «يملك القائم ثلاثمائة سنة ويزداد تسعاً كما لبث أهل الكهف في كهفهم؛ يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً فيفتح الله له شرق الأرض و غربها. و يقتل الناس حتى لا يبقى إلّا دين محمد. ويسير بسيره سليمان بن داود و يدعو الشمس والقمر فيجيبانه و تطوى له الأرض و يوحى إليه فيعمل بالوحي بأمر الله؛ (۵۷) امام قائم ۳۰۹ سال مالک زمین شده در آن حکومت می کند همان مقدار که اهل کهف در غارشان درنگ کردند. آن گاه زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ آن گونه که پر از ظلم و جور شده است. پس خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح می کند. او مردم را می کشد تا تنها دین محمد (اسلام) بر روی زمین باقی بماند او به سیره سلیمان بن داود عمل می کند، خورشید و ماه را می خواند

آن دو نیز او را اجابت می کنند. زمین برای او به چرخش در می آید و بر او وحی می گردد و او نیز به امر خدا به وحی عمل می کند.»

مورد چهارم: اتفاق بر این که مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

با ملاحظه روایاتی که از طریق شیعه و سنی به دست ما رسیده است پی می بریم که یکی دیگر از موارد اتفاقی بین این دو فرقه در قضیه مهدویت، اتفاق در این است که مهدی موعود از اهل بیت و ذریه رسول گرامی اسلام است.

اینک به بعضی از روایات این باب اشاره می کنیم:

۱ - سعید بن مسیب می گوید: «کنا عند أم سلمه فتذاکرنا المهدی فقالت: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: المهدی من عترتی من ولد فاطمه»؛ (۵۸) «نزد ام سلمه بودیم که سخن از مهدی به میان آمد. ام سلمه فرمود: از رسول خدا شنیدیم که می فرمود: مهدی از عترتم از اولاد فاطمه است.»

۲ - و نیز از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا فرمود: «لا تقوم الساعة حتی تملأ الأرض ظلماً وعدواناً. قال: ثم یخرج رجل من عترتی أو من أهل بیتی یملأها قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وعدواناً»؛ (۵۹) «قیامت برپا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و جور شده باشد. فرمود: سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.»

۳ - امام باقر علیه السلام می فرماید: «المهدی رجل من ولد فاطمه»؛ (۶۰) مهدی مردی از اولاد فاطمه است.»

۴ - ترمذی به سند خود از پیامبر اکرم نقل کرده است: «یلی رجل من أهل بیتی یواطی اسمه اسمی»؛ (۶۱) «شخصی از اهل بیتم متولی کل زمین خواهد

شد که نام او همانام من است.»

مورد پنجم: اتفاق بر این که لقب او «مهدی» است

برای امام زمان علیه السلام القاب و عناوین متعددی در روایات ذکر شده است ولی یکی از القابی که مورد اتفاق بین شیعه و سنی است، لقب «مهدی» است. اینک به بعضی از روایات اشاره می‌کنیم:

۱. حاکم نیشابوری به سند خود از ابی سعید خدری نقل کرده که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «المهدی منّا أهل البیت...»؛ (۶۲) «مهدی از ما اهل بیت است.»

۲. بخاری به سند خود از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می‌کند که فرمود: «المهدی حق و هو من ولد فاطمه»؛ (۶۳) «مهدی حق و او از اولاد فاطمه می‌باشد.»

۳. مقدسی شافعی به سند خود از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می‌کند که فرمود: «یخرج المهدی، علی رأسه غمامه، فیها ینادی: هذا المهدی خلیفه رسول الله فاتبعوه»؛ (۶۴) «مهدی خروج می‌کند در حالی که بالای سر او ابری است، در میان آن ابر کسی ندا می‌کند: این مهدی خلیفه خداست؛ او را اطاعت نمایید.»

مورد ششم: اتفاق در برخی از اوصاف شخصی آن حضرت علیه السلام

در بعضی از صفات شخصی آن حضرت نیز بین علمای اسلام اتفاق وجود دارد. از جمله در روایات می‌خوانیم:

۱. حاکم نیشابوری در مستدرک و دیگران از ابوسعید خدری روایت کرده اند که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «المهدی منی أجلی الجبهه، أقنی الأنف یملاً الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً و یملک سبع سنین»؛ (۶۵) «مهدی از من است. پیشانی آشکار، بینی بلند است. زمین را از داد و عدل پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است و در مدت هفت سال صاحب زمین می‌شود.»

ابن کثیر در کتاب النهایه در شرح این حدیث می‌گوید: «أجلی الجبهه از جلی است به معنای کنار رفتن موی جلو سر از

پیشانی و «أقنى الأنف» از «قنى» به معنای بلندی بینی است با تیزی طرف آن و منحنی بودن وسطش... انحنای در وسط بینی به حدی نیست که سیمای آن حضرت را مشوه جلوه دهد.»

مورد هفتم: اتفاق بر برخی از علائم ظهور

درباره قیام و ظهور امام زمان علیه السلام در روایات فریقین به علایمی اشاره شده که بعضی از آن علائم مورد اتفاق شیعه و سنی است. اینک به دو نمونه از آن ها اشاره می شود:

الف) برپایی دولت اسلامی از روایات اسلامی استفاده می شود که قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام حکومتی اسلامی برپا خواهد شد که در واقع زمینه ساز قیام حضرت مهدی علیه السلام است:

۱. ابن ماجه به سند خود از رسول خدا نقل کرده که فرمود: «يخرج قوم من المشرق يوطنون للمهدى سلطاناً»؛ (۶۶) «قومی از جانب مشرق زمین خروج می کنند که زمینه ساز سلطنت و حکومت مهدی خواهند بود.»

۲. احمد بن حنبل به سند خود از ثوبان نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «إذا رأيتم الرايات السود قد أقبلت من خراسان فأتوها و لو حبوا على الثلج»؛ (۶۷) «هرگاه پرچم های سیاه را مشاهده نمودید که از جانب خراسان به حرکت در آمده اند آن ها را همراهی کنید ولو با زانوهای بر روی برف.»

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «يخرج ناس من المشرق، فيوطنون للمهدى»؛ (۶۸) «جماعتی از مشرق قیام کرده، زمینه ساز ظهور مهدی خواهند شد.»

۴. و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «تجىء الرايات السود من قبل المشرق كأنّ قلوبهم زبر الحديد، فمن سمع بهم فليأتهم فيبايعهم و لو حبوا على الثلج»؛ (۶۹) «پرچم های سیاه از جانب مشرق خواهد آمد، گویا دل های آنان پاره های آهن است. پس هر کس که مطلع شود باید»

نزد آن‌ها بیاید و با آن‌ها بیعت کند؛ ولو با زانو روی برف.»

ب) برپایی دولت مخالف یکی دیگر از علائم ظهور که مورد اتفاق فریقین است، برپایی دولتی قبل از قیام امام زمان علیه السلام در بلاد شام است که رهبری آن را فردی از بنی امیه به نام سفیانی بر عهده دارد. روایات در این باب از طریق شیعه و سنی به حد استفاضه رسیده است و نیز صحاح شش گانه اهل سنت بر این امر تأکید دارند که لشکر سفیانی به طرف مکه حرکت می‌کند تا نهضت و قیام امام مهدی علیه السلام را درهم بکوبد؛ زیرا از سیطره حضرت بر شهرهای حجاز مطلع می‌شود، در بین راه به منطقه بیداء که می‌رسد، او و لشکرش به زمین فرو خواهند رفت.

۱. مسلم به سند خود از عایشه نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: سيعوذ بهذا البيت - یعنی مکه - قوم لیست لهم منعه ولا عده، یبعث إلیهم جيش حتی إذا كانوا ببیداء من الأرض خسف بهم؛ (۷۰) به زودی جماعتی به مکه پناه می‌برند که برای آنان حفاظ و امکانات نیست و از طرف دیگر لشکری به سوی آن‌ها فرستاده می‌شود هنگامی که آن لشکر به سرزمین بیداء رسید، به زمین فرو می‌روند.»

۲. نعمانی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «للقائم خمس علامات: السفیانی...؛ (۷۱) برای قائم پنج علامت است: یکی از آن‌ها خروج سفیانی است.»

۳. علی بن محمد سمری توقیعی را از امام زمان نقل کرده که با آن غیبت صغرا به اتمام رسیده است، حضرت در آن توقیع می‌فرماید: «فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی والصیحه فهو کذاب مفتر؛ (۷۲) پس هر

کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادّعی مشاهده امام زمان کند، او دروغ گو و افترا زننده است.»

۴. نعمانی به سند خود از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «... وبعث السفیانی بعثاً إلى المدینه فینفی المهدی منها إلى مکة، فیبلغ أمير جيش السفیانی أنّ المهدی قد خرج إلى مکة، فبعث جيشاً على أثره فلا یدرکه حتی یدخل مکة خائفاً یتربّب علی سَنّه موسی بن عمران. قال: وینزل أمير جيش السفیانی البیداء، فینادی مناد من السماء: یا بیداء أبیدی القوم فیخسف بهم، فلا یفلت منهم إلّا ثلاثه؛ (۷۳)» «و سفیانی لشکری را به سوی مدینه می فرستد. حضرت مهدی علیه السلام از مدینه به سوی مکة کوچ می کند. خبر به امیر لشکر سفیانی می رسد که مهدی به سوی مکة حرکت کرده است. لذا او لشکری را به دنبال حضرت می فرستد، ولی به حضرت نمی رسد مگر هنگامی که به مکة رسیده است در حالی که خائف و مراقب است همانند موسی بن عمران (که وارد مدین شد) آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود: و امیر لشکر سفیانی وارد سرزمین بیداء می شود و منادی از آسمان ندا می دهد: ای سرزمین بیداء، این قوم را در خود فرو بر! آن قوم در آن سرزمین زیر و رو خواهند شد و به جز سه نفر، کسی از آن ها نجات نخواهد یافت.»

مورد هشتم: اتفاق بر اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت علیه السلام

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام خروج حضرت مهدی علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام نیز از آسمان فرود می آید و در نماز به امام زمان علیه السلام اقتدا خواهد نمود. اینک به برخی از روایات در این مورد اشاره می نمایم:

۱. مسلم در صحیح و با سند خود از

جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند: از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: «لاتزال طائفه من أمتی علی الحق ظاهرین إلى یوم القیامه. قال: فینزل عیسی بن مریم فیقول أمیرهم: تعال صل فیقول: لا إن بعضکم علی بعض أمراء تکرمه الله هذه الأمه؛ (۷۴) «دائماً طایفه ای از ائمتم بر حق و ظاهرند تا روز قیامت. سپس فرمود: عیسی بن مریم از آسمان فرود آید، امیر آن ها به حضرت عیسی می گوید: پیش آی و برای ما امامت کن. او در جواب می گوید: خیر، به راستی بعضی از شما بر بعضی دیگر امیر است به جهت اکرام خدا بر این امت.»

از این حدیث استفاده می شود که هنگام نزول حضرت عیسی علیه السلام امام زمان علیه السلام از او می خواهد که بر این امت، امامت جماعت کند. او نیز این تقاضا را به جهت احترام گذاشتن بر حضرت و امت اسلامی نمی پذیرد و امر امامت جماعت را به امام زمان علیه السلام واگذار می کند.

۲. بخاری به سند خود از ابی هریره نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و إمامکم منکم؟» (۷۵) چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود آمده در حالی که امام بر شما فردی از خودتان است؟»

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: «القائم منصور بالرب، مؤید بالنصر، تطوی له الأرض، وتظهر له الكنوز، و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عزوجل به دینه و لو کره المشرکون، فلا یبقی من الأرض خراب إلا عمر، و ينزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه»؛ (۷۶) «قائم به توسط ترس یاری و تأیید می گردد. زمین برای او خواهد چرخید و سلطنتش مشرق و

مغرب عالم را فرا خواهد گرفت. خداوند عزوجل به واسطه او دینش را ظاهر می کند، هر چند مشرکان به آن کراهت داشته باشند. روی زمین جای خرابی نیست مگر آن که آباد شود و روح الله عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او اقامه نماز خواهد کرد.»

۴. ابوسعید خدری از رسول خدا نقل می کند که فرمود: «مَنْ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ»؛ (۷۷) «از ماست کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می گزارد.»

مورد نهم: اتفاق بر اصلاح امر او در یک شب

روایات اسلامی بر این امر اتفاق کرده اند که خداوند متعال امر فرج آن حضرت را در یک شب اصلاح خواهد نمود، همان گونه که امر حضرت موسی علیه السلام را یک شب اصلاح کرد و او را به نبوت رسانید. اینک به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

۱. احمد بن حنبل به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «المهدى منّا اهل البيت، يصلحه الله فى ليلة»؛ (۷۸) «مهدی از ما اهل بیت است. خداوند امر فرج او را در یک شب اصلاح خواهد کرد.»

۲. شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از امام حسین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «فى التاسع من ولدى سنّه من يوسف و سنّه من موسى بن عمران - عليهما السلام - و هو قائمنا اهل البيت، يصلح الله تبارك و تعالى امره فى ليلة واحده»؛ (۷۹) در نهمین فرزند از اولاد من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران علیهما السلام است. و او قائم از ما اهل بیت است. خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد کرد.»

۳. نیز شیخ صدوق رحمه الله به

سند خود از امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند که رسول خدا فرمود: «المهدی منّا اهل البيت، یصلح الله أمره فی ليله؛ (۸۰) مهدی از ما اهل بیت است. خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.»

مورد دهم: اتفاق بر بیعت کردن با او بین رکن و مقام

از جمله موارد اتفاقی بین امت اسلامی در قضیه مهدویت، اتفاق بر این نکته است که با حضرت هنگام ظهورش بین رکن و مقام بیعت خواهد شد. اینک به بعضی از روایات این باب اشاره می کنیم:

۱. مقدسی شافعی به سند خود از حذیفه بن یمان روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «یبایع له الناس بین الرکن و المقام، یرد الله به الدین و یفتح له فتوح، فلا یبقی علی وجه الأرض إلا من یقول: لا اله الا الله؛ (۸۱)» «مردم با حضرت بین رکن و مقام بیعت می کنند. خداوند به سبب او دین را به جایگاه اصلی خود بر می گرداند و برای او فتوحاتی انجام خواهد داد. بر روی زمین کسی باقی نمی ماند مگر آنکه قائل به لا اله الا الله است.»

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: «... والله یا بنی هلال مهدی هذه الأمة الذی یملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و الله انی لأعرف جمیع من یبایعه بین الرکن و المقام و أعرف أسماء الجمیع و قبائلهم؛ (۸۲)» «به خدا سوگند، ای فرزندان هلال، مهدی این امت کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده است. به خدا سوگند، تمام کسانی را که با او بین رکن و

مقام بیعت می کنند می شناسم و نام های تمام آن ها و قبایل آن ها را می دانم.»

مورد یازدهم: اتفاق بر این که عالم را پر از عدل و داد می کند

احادیث بسیار در متون اسلامی شیعی و سنی بر این امر اتفاق دارند که امام زمان، حضرت مهدی علیه السلام، بعد از ظهور خود زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

اینک به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

۱. ابوسعید خدری از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت کرده که فرمود: «لا تقوم الساعة حتى تملئ الأرض ظلماً و عدواناً. قال: ثم يخرج رجل من عترتي أو من أهل بيتي يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً»؛ (۸۳) «قیامت بر پا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و ستم گردد. سپس فرمود آن گاه شخصی از عترتم یا از اهل بیتم [تردید از راوی است] خروج کرده، زمین را از داد و عدل پر خواهد کرد، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.»

۲. مجلسی رحمه الله در بحار الانوار از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «لتملأ الأرض ظلماً و عدواناً، ثم ليخرجن من أهل بيتي أوقال من عترتي، من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً»؛ (۸۴) به راستی زمین پر از ظلم و جور خواهد شد، آن گاه شخصی از اهل بیتم - یا فرمود: از عترتم - خروج می کند؛ کسی که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.»

۳. ابوداود به سند خود از امام علی علیه السلام نقل کرده که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «لو لم يبق من الدهر إلا يوم

لبعث

اللَّهُ رجلاً من أهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت جوراً؛ (۸۵) اگر از عمر زمین بیش از یک روز باقی نمانده باشد خداوند مردی از اهل بیتم را برمی انگیزاند تا زمین را پر از عدل کند، آن گونه که پر از جور شده است.»

۴. شیخ طوسی رحمه الله در حدیثی طولانی، به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «یظهر صاحبنا و هو من صلب هذا - و اوماً بیده إلی موسی بن جعفر علیه السلام - و یملاًها عدلاً، كما ملئت جوراً و ظلماً؛ (۸۶) صاحب ما ظهور می کند، در حالی که از نسل این شخص است - حضرت علیه السلام با دست مبارک خود به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام اشاره کرد - آن گاه زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از جور و ظلم شده باشد.»

مورد دوازدهم: اتفاق بر توسعه اقتصادی در عصر ظهور

با مراجعه به روایات فریقین در می یابیم که در عصر ظهور امام زمان علیه السلام، توسعه و رفاه اقتصادی مطلوبی ایجاد خواهد شد؛ به حدی که بشر مانند آن را در طول تاریخ کره زمین به خود ندیده است. و این به برکت حکومت عدل توحیدی امام زمان علیه السلام است. از این روایات استفاده می شود که گناه موجب فقر و فلاکت و در مقابل، عدالت و رستگاری و اطاعت از دستوره‌های خدا و پیاده کردن فرمان های الهی در روی زمین و دعای حضرت و حضور حجت خدا در میان مردم، سبب وسعت برکت در روی زمین خواهد شد. اکنون به برخی از این گونه روایات اشاره می کنیم:

۱. ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «تنعم أمتی فی زمن المهدي نعمة لم

ينعموا مثلها قط، ترسل السماء عليهم مدراراً، و لا تدع الأرض شيئاً من النبات إلّا أخرجته و المال كدوس. يقوم الرجل فيقول: يا مهدي أعطني و فيقول خذ؛ (۸۷) اتم در زمان ظهور مهدي منتعم به نعمتي مي شوند كه هرگز از مانند آن برخوردار نبودند. آسمان براي آن ها آب فراوان خواهد فرستاد و زمين از هيچ گياهي براي آنان فروگذار نخواهد كرد، اموال متراكم مي شود. [مثلاً] شخصي بر مي خيزد و به آن حضرت عرض مي كند: اي مهدي، به من عنایت كن. حضرت عليه السلام نيز به او مي فرمايد: بگير.»

۲. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله عليه وآله نقل می کند که فرمود: «يخرج في آخر الزمان خليفة، يعطي المال بغير عدد»؛ (۸۸) «در آخر الزمان خلیفه ای خروج خواهد کرد که بدون شمارش به مردم مال عطا می کند.»

۳. بخاری به سند خود از ابی موسی نقل می کند که پیامبر صلی الله عليه وآله فرمود: «لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَطُوفُ الرَّجُلُ فِيهِ بِالصَّدَقَةِ مِنَ الذَّهَبِ، ثُمَّ لَا يَجِدُ أَحَدًا يَأْخُذُهَا»؛ (۸۹) «به طور حتم بر مردم زمانی خواهد آمد که شخصی مالدار صدقه ای از طلا را به دست گرفته، بین مردم می گردد تا مستحقی را پیدا کند و به او بدهد، ولی کسی را پیدا نمی کند که صدقه را از او بگیرد.»

۴. مسلم به سند خود از ابی هریره نقل می کند که رسول خدا صلی الله عليه وآله فرمود: «وَاللَّهِ لَيَنْزِلَنَّ ابْنُ مَرْيَمَ... لِيَدْعُونَ إِلَيَّ الْمَالَ فَلَا يَقْبَلُهُ أَحَدٌ»؛ (۹۰) «به خدا سوگند که فرزند مریم از آسمان پایین آمده...، مردم به مال دعوت می شوند، ولی هیچ کس آن را قبول نمی کند.»

۵. شیخ صدوق به سند خود از مفضل بن عمر نقل کرده که گفت: از امام

صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «انّ قائمنا اذا قام اشرقت الأرض بنور ربّها... و تظهر الأرض كنوزها حتى يراها الناس على وجهها و يطلب الرجل منكم من يصله بماله و يأخذ منه زكاته، فلا يجد أحداً يقبل منه ذلك، استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله؛(۹۱) به راستی قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش نور افشان خواهد شد... و زمین گنج های خود را ظاهر کرده، مردم آن ها را بر روی زمین خواهند دید. شخصی از شما دنبال کسی می گردد که به او صله کرده، زکات مالش را از او بپذیرد، ولی هیچ کس را نمی یابد که آن مال را از او قبول کند؛ زیرا خداوند متعال مردم را به آنچه به آن ها روزی داده بی نیاز کرده است.»

مهدویت و مؤلفان فریقین

بسیاری از علمای شیعه و سنی به طور مستقل درباره قضیه مهدویت، در گذشته و حال، تألیفاتی گرانسنگ از خود به جای گذاشته اند که در این کتاب به نام برخی از آن ها اشاره می کنیم:

الف - تألیفات اهل سنت ۱. عباد بن یعقوب رواجنی، متوفای ۲۵۰ق، صاحب کتاب أخبار المهدی. (۹۲)

۲. أبوبکر بن أبی خیثمه، متوفای ۲۷۹ق. سهیلی می گوید: «احادیث وارد در امر مهدی علیه السلام بسیار است و أبوبکر بن أبی خیثمه آن را در کتابی جمع نموده است.» (۹۳) ۳. أبوالحسین أحمد بن جعفر منادی متوفای ۳۳۶ق. ابن حجر در شرح احادیث دوازده خلیفه، به نقل از کتاب کشف المشکل می گوید: «ابن المنادی این مطلب را در کتابی که درباره حضرت مهدی نوشته، آورده است.» (۹۴)

۴. أبونعیم أحمد بن عبد الله اصفهانی، (متوفای ۴۳۰ق)، صاحب کتاب گرانسنگ المهدی. (۹۵)

۵. محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ق، صاحب کتاب البیان بأخبار

صاحب الزمان.

۶. یوسف بن یحیی سلمی شافعی، متوفای ق ۶۸۵، صاحب کتاب عقد الدرر فی أخبار المهدي المنتظر.

۷. ابن قیم جوزیه، (متوفای ۷۵۱ق) صاحب کتاب المهدي.

۸. ابن کثیر قرشی، (متوفای ۷۷۴ق)، صاحب کتاب مستقل در احادیث حضرت مهدی علیه السلام. (۹۶)

۹. شمس الدین محمد بن عبدالرحیم سخاوی، (متوفای ۹۰۲ق)، صاحب کتاب ارتقاء العرف.

۱۰. جلال الدین سیوطی، (متوفای ۹۱۱ق) صاحب کتاب العرف الوردی من أخبار المهدي.

۱۱. ابن کمال پاشا حنفی، (متوفای ۹۴۰ق)، صاحب کتاب تلخیص البیان فی علامات مهدي آخر الزمان.

۱۲. محمد بن طولون دمشقی (متوفای ۹۵۳ق) صاحب کتاب المهدي إلى ماورد فی المهدي.

۱۳. أحمد بن حجر هيثمي مكي، (متوفای ۹۷۴ق)، صاحب کتاب القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر.

۱۴. علی بن حسام الدین متقی هندی، (متوفای ۹۷۵ق) صاحب کتاب البرهان فی علامات آخر الزمان.

۱۵. ملاعلی بن سلطان قاری حنفی، (متوفای ۱۰۱۴ق)، صاحب کتاب المهدي من آل الرسول صلی الله علیه وآله.

۱۶. مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (متوفای ۱۰۳۳ق) صاحب کتاب فرائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر علیه السلام.

۱۷. محمد بن اسماعیل امیر صنعانی، (متوفای ۱۱۸۲ق). صدیق حسن خان می گوید: «سید علامه بدر المله، منیر محمد بن اسماعیل امیر صنعانی یمانی؛ او احادیثی را که دلالت بر خروج مهدي دارد در مجموعه ای جمع کرده است؛ آن مهدي که از آل محمد صلی الله علیه وآله است و در آخر الزمان ظهور خواهد نمود.» (۹۷)

۱۸. قاضی محمد بن علی شوکانی، (متوفای ۱۲۵۰ق)، صاحب کتاب التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدي المنتظر و الدجال و المسيح. (۹۸)

۱۹. شهاب الدین أحمد بن أحمد بن اسماعیل حلوانی شافعی، (متوفای ۳۰۸ق) صاحب کتاب القطر الشهدي فی أوصاف المهدي.

۲۰. محمد بن محمد بن أحمد حسینی بلیسی، صاحب کتاب العطر الوردی

من شرح القطر الوردی فی أوصاف المهدي.

۲۱. ابوالعلاء ادريس بن محمد بن ادريس حسینی عراقی، صاحب کتاب التألیف فی المهدي.

۲۲. شیخ مصطفی البکری، صاحب کتاب الهدایه الندیّه للأمه المهديه.

۲۳. محمد بن عبدالعزیز بن مانع صاحب کتاب تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر.

۲۴. شیخ ولایت الله صادقیپوری هندی، صاحب کتاب الأربعین فی أخبار المهديین.

۲۵. حنیف الدین عبدالرحمن المرشدی، صاحب کتاب تلخیص البیان فی علامات مهدي آخر الزمان.

۲۶. رشید راشد تاذفی حلبی، صاحب کتاب تنویر الرجال فی ظهور المهدي و الدجال.

۲۷. احمد بن محمد بن صدیق، صاحب کتاب إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون.

۲۸. عبدالمحسن بن حمد العباد، نایب رئیس دانشگاه اسلامی در مدینه منوره، صاحب کتاب عقیده أهل السنه و الأثر فی المهدي المنتظر.

او در کتاب خود می نویسد: «کما اعتنى علماء هذه الأمة بجمع الاحاديث الواردة عن نبيهم صلى الله عليه وآله تأليفاً و شرحاً كان لأحاديث المتعلقة بأمر المهدي قسطها الكبير من هذه العناية، فمنهم من أدرجها ضمن المؤلفات العامه كما في السنن و المسانيد و غيرها و منهم من أفردها بالتأليف... كل ذلك حصل منهم - رحمهم الله و جزاهم خيراً - حمايه لهذا الدين و قياماً بما يجب من النصح للمسلمين»؛ (۹۹) «همان گونه که علمای این امت به جمع احادیث وارد از پیامبرشان صلی الله علیه و آله و تألیف و شرح آن ها اهمیت فراوانی داده اند، احادیث متعلق به امر مهدي نیز قسمت بسیاری از این مؤلفات را در بر گرفته است. عده ای از علما این احادیث را ضمن تألیفات عمومی خود، همانند سنن و مسانید و غیر این ها آورده اند و عده ای دیگر نیز برای احادیث مهدي تألیفی مستقل داشته اند. تمام این کارها - که خداوند

آن‌ها را رحمت کند و جزای خیر دهد - به جهت حمایت از دین، و قیام و عمل به تکلیف واجب نصیحت و ارشاد مسلمانان بوده است.»

رد علمای اهل سنت بر منکران مهدویت شمار اندکی از علمای اهل سنت در صدد تشکیک در قضیه مهدویت برآمده و مطالبی در این باره در کتاب‌های مستقل یا ضمن مباحث دیگر متذکر شده‌اند. ولی خوشبختانه بقیه علمای اهل سنت با بیداری و شعوری که داشته‌اند در مقابل آنان ایستاده و شدیداً با بحث و سخنرانی و تألیف کتاب به شبهات آن‌ها پاسخ گفته‌اند.

اینک به برخی از کسانی که در رد منکران قضیه مهدویت کتاب مستقل تألیف کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

۱. ابوالفیض سید احمد بن محمد بن صدیق غماری شافعی ازهری مغربی، متوفای ۱۳۸۰ ق، صاحب کتاب إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، چاپ دمشق.

۲. شیخ محمود بن عبدالله تویجری از استادان دانشگاه اسلامی در مدینه منوره، صاحب کتاب الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر، در رد شیخ ابن محمود، قاضی قطر.

۳. شیخ عبدالله سبیتی عراقی، صاحب کتاب إلی مشیخه الأزهر در رد کتاب المهدیه فی الاسلام، اثر سعد محمد حسن، که از منکران مهدویت است.

۴. محمد بن عبدالعزیز بن مانع، (متوفای ۱۳۸۵ ق) صاحب کتاب تحدید النظر فی أخبار الإمام المنتظر در اثبات امام مهدی علیه السلام و ظهورش و در رد ابن خلدون.

۵. کتاب الجزم لفصل ابن حزم در رد ابن حزم اندلسی که بخشی از کتاب الفصل فی الملل و الأهواء و النحل را به انکار و تکذیب احادیث مربوط به امام زمان علیه السلام اختصاص داده است.

۶. عبدالمحسن بن حمد العباد، استاد دانشگاه مدینه منوره و عضو هیأت علمی آن

دانشگاه، صاحب کتاب الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحہ الوارده فی المهدی، در رد کتاب لامهدی ینتظر بعد الرسول سید البشر از شیخ آل محمود قطری.

۷. أبو العباس بن عبد المؤمن مغربی، صاحب کتاب الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون.

ب - تألیفات علمای شیعه قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام ۱. کتاب الملاحم، از اسماعیل بن مهران سکونی، کوفی، ثقه، از اصحاب امام رضا علیه السلام. (۱۰۰)

۲. کتاب ما سئل عن الصادق علیه السلام من الملاحم، از علی بن یقظین بغدادی، ثقه، جلیل، متوفای سال ۱۸۲ ق. (۱۰۱)

۳. کتاب الملاحم، از ابراهیم بن حکم فزازی که فضل بن شاذان از او روایت می کند. (۱۰۲)

۴. کتاب الملاحم، از احمد بن میثم، فقیه کوفی، ثقه. (۱۰۳)

۵. کتاب الملاحم، از حسن بن علی بن فضال کوفی، از خواص اصحاب امام رضا علیه السلام. (۱۰۴)

۶. کتاب الملاحم، از حسین بن سعید بن حماد اهوازی، ثقه، عالم، از اصحاب امام رضا علیه السلام. (۱۰۵)

۷. کتاب الغیبه، از ابی الفضل عباس بن هاشم ناشری اسدی، ثقه، جلیل متوفای سال ۲۱۹ یا ۲۲۰ ه. (۱۰۶)

۸. کتاب الملاحم، از ابی محمد بن ابی عمیر ازدی بغدادی، متوفای سال ۲۱۷ ق. (۱۰۷)

۹. کتاب القائم، از ابی الحسن علی بن مهزیار اهوازی که از امام رضا و امام جواد علیهما السلام روایت نقل می کند. (۱۰۸)

۱۰. کتاب الغیبه، از ابی اسحاق ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی، ثقه و از اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام که تنها کتاب باقی مانده از او همین کتاب است. (۱۰۹)

۱۱. کتاب الملاحم از ابی جعفر محمد بن عبدالله کرخی که برقی از او روایت نقل می کند. (۱۱۰)

۱۲. کتاب الحججه از فضل بن شاذان ازدی، ثقه، جلیل القدر، از اصحاب امام رضا، امام جواد، امام هادی،

امام عسکری علیهم السلام متوفای سال ۲۶۰ هـ (۱۱۱).

۱۳. کتاب القائم، از فضل بن شاذان. (۱۱۲)

۱۴. کتاب الملاحم، از فضل بن شاذان. (۱۱۳)

۱۵. کتاب صاحب الزمان، از محمد بن حسن بن جمهور بصری، از راویان امام رضاعلیه السلام. (۱۱۴)

۱۶. از ایشان کتاب دیگری در قضیه مهدویت به نام وقت خروج القائم ثبت شده است. (۱۱۵)

پس از ولادت امام زمان علیه السلام نیز کتاب های بسیاری در مورد مهدویت نگاشته شده است که نیازمند کتاب شناسی تفصیلی و گسترده ای است.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام ۲ - امامت در سنین کودکی ۳ - امامت و غیبت ۴ - غیبت صغری ۵ - غیبت کبری ۶ - وظایف ما در عصر غیبت ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام ۸ - بررسی دعای ندبه ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

۱۰ - دفاع از مهدویت ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی ۱۲ - نظریه پردازي درباره آینده جهان ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۱۸ - علایم ظهور

۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

۱ - قرآن کریم (وزیری، کیفی، جیبی)

۲ - کلیات مفاتیح الجنان (وزیری، جیبی)

۳ - منتخب مفاتیح الجنان (جیبی)

۴ - نهج البلاغه (وزیری، جیبی)

۵ - صحیفه سجاده ۶ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام ۷ - آئینه اسرار

۸- آثار گناه در زندگی و راه جبران ۹- آخرین پناه ۱۰- آخرین خورشید پیدا

۱۱- آشنایی با چهارده معصوم (۲۱)

۱۲- آقا شیخ مرتضی زاهد

۱۳- آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)

۱۴- ارتباط با خدا

۱۵- از زلال ولایت ۱۶- اسلام شناسی و پاسخ به شبهات ۱۷- امامت، غیبت، ظهور

۱۸- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام ۱۹- امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق ۲۰- امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی)

۲۱- امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان ۲۲- امام شناسی و پاسخ به شبهات ۲۳

- انتظار بهار و باران ۲۴ - انتظار و انسان معاصر

۲۵ - اهمیت اذان و اقامه ۲۶ - با اولین امام در آخرین پیام ۲۷ - بامداد بشریت ۲۸ - بهتر از بهار/کودک ۲۹ - پرچمدار نینوا

۳۰ - پرچم هدایت ۳۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ترورسیم و خشونت طلبی ۳۲ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده داری ۳۳ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت ها و ارتداد

۳۴ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن ۳۵ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبی ۳۶ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد

۳۷ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله/دو جلد

۳۸ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران/ (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی)

۳۹ - تاریخ سید الشهداء علیه السلام ۴۰ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام ۴۱ - تشریف یافتگان (چهار دفتر)

۴۲ - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام ۴۳ - چهارده گفتار/ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام ۴۴ - چهل حدیث/امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام ۴۵ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۴۶ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت ۴۷ - حکمت های جاوید

۴۸ - ختم سوره های یس و واقعه ۴۹ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)

۵۰ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)

۵۱ - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار)

۵۲ - دار السلام ۵۳ - داستان هایی از امام زمان علیه السلام ۵۴ - داغ شقایق (مجموعه اشعار)

۵۵ - در انتظار منجی (روسی)

۵۶ - در جستجوی نور

۵۷ - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)

۵۸ - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور)

۵۹ - دلشده در حسرت دیدار دوست ۶۰ - دین و

آزادی ۶۱ - رجعت یا حیات دوباره ۶۲ - رسول ترک ۶۳ - روزنه هایی از عالم غیب ۶۴ - زیارت ناحیه مقدسه ۶۵ - سحاب رحمت ۶۶ - سخنرانی مراجع در مسجد جمکران ۶۷ - سرود سرخ انار

۶۸ - سقا خود تشنه دیدار

۶۹ - سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات ۷۰ - سیاحت غرب ۷۱ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی ۷۲ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی)

۷۳ - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی ۷۴ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه)

۷۵ - شمس وراء السحاب / عربی ۷۶ - صبح فرا می رسد

۷۷ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۷۸ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی ۷۹ - عریضه نویسی ۸۰ - عطر سبب ۸۱ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی ۸۲ - علی علیه السلام مروارید ولایت ۸۳ - علی علیه السلام و پایان تاریخ ۸۴ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین)

۸۵ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات ۸۶ - فتنه و هابیت ۸۷ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام ۸۸ - فریادرس ۸۹ - فرهنگ اخلاق ۹۰ - فرهنگ تربیت ۹۱ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش)

۹۲ - فوز اکبر

۹۳ - فریادرس ۹۴ - قصه های تربیتی ۹۵ - کرامات المهدی علیه السلام ۹۶ - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام ۹۷ - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد)

۹۸ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)

۹۹ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)

۱۰۰ - گفتمان مهدویت ۱۰۱ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات ۱۰۲ - مام فضیلت ها

۱۰۳ - مشکاه الانوار

۱۰۴ - مفرد مذکر غائب ۱۰۵ - مکیال المکارم (دو جلد)

۱۰۶ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ

۱۰۷ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه ۱۰۸ - منشور نینوا

۱۰۹ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات ۱۱۰ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات ۱۱۱ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی ۱۱۲ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد

۱۱۳ - مهربان تر از مادر / نوجوان ۱۱۴ - مهر بیکران ۱۱۵ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)

۱۱۶ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا)

۱۱۷ - نجم الثاقب ۱۱۸ - نجم الثاقب (دو جلدی)

۱۱۹ - ندای ولایت ۱۲۰ - نشانه های ظهور او

۱۲۱ - نشانه های یار و چکامه انتظار

۱۲۲ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات ۱۲۳ - نماز شب ۱۲۴ - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام

۱۲۵ - و آن که دیرتر آمد

۱۲۶ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات ۱۲۷ - وظایف منتظران ۱۲۸ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام ۱۲۹ - هدیه

احمدیه / (جیبی، نیم جیبی)

۱۳۰ - همراه با مهدی منتظر

۱۳۱ - یاد مهدی علیه السلام ۱۳۲ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)

۱۳۳ - ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱

تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱-۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴-۵۶۶۴۲۱۲-۰۱۲۲

پی نوشتها

(۱) المهدی المنتظر، محمود الحمش، ص ۲۱۵.

(۲) جیمز دی تور، آینده پژوهی، رهیافت، شماره ۲۰، ص ۱۰۵.

(۳) قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۷.

(۴) همان.

(۵) سوره توبه،

(۶) نهج الفصاحه، ص ۱۸۹، حدیث ۹۳۶.

(۷) تفکر منفی، ص ۱۴۸.

(۸) نهج البلاغه، کلمات قصار، رقم ۱۵۰.

(۹) سوره نساء، آیات ۱۲۳ - ۱۲۴.

(۱۰) ماریین، سیاست اسلام، فلسفه مذهب شیعه، ص ۴۹ - ۵۰.

(۱۱) پتروشفسکی، نهضت سربداران خراسان، ترجمه کریم کشاورز.

(۱۲) حسن بلخاری، تهاجم یا تفاوت فرهنگی.

(۱۳) المتحولون، مصاحبه با محمد شحاده از رهبران مبارزان فلسطینی.

(۱۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

(۱۵) همان، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

(۱۶) شرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹.

(۱۷) سوره ذاریات، آیه ۵۶.

(۱۸) سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۴۲۲.

(۱۹) صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳.

(۲۰) ینابیع الموده، ص ۵۳۷.

(۲۱) الحاوی للفتاوی، ص ۱۵۵.

(۲۲) الغیبه، طوسی، ص ۲۸۶.

(۲۳) همان، ص ۱۸۱.

(۲۴) همان، ص ۴۳۲.

(۲۵) همان، ص ۲۸۳.

(۲۶) صواعق المحرقه، ص ۱۶۲.

(۲۷) لوائح الانوار، ج ۲، ص ۷۹.

(۲۸) المهدي عليه السلام و فقه اشراط الساعه، ص ۱۶۳ - ۱۶۶

(۲۹) سوره حجرات، آیه ۱۰.

(۳۰) انفال (۸)، آیه ۴۶.

(۳۱) آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

(۳۲) ر. ك: بحث خبر متواتر، حلقات شهيد صدر(ره).

(۳۳) بحث حول المهدي، ص ۶۳ - ۶۴.

(۳۴) عقائد الاماميه، ص ۷۷.

(۳۵) فتح الباري، ج ۵، ص ۳۶۲.

(۳۶) ابراز الوهم المكنون، ص ۴، به نقل از رساله التوضيح شوكانی.

(۳۷) صواعق المحرقه، ج ۲، ص ۲۱۱.

(۳۸) فيض القدير، ذيل حديث ۹۲۴۵.

(۳۹) شرح مقاصد، ج ۲، ص ۶۲.

(۴۰) اخبار الدول و آثار الاول، ج ۱، ص ۴۶۳.

(۴۱) تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، مبارکفوری، شرح حديث ۲۳۳۱.

(۴۲) التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۱۰.

(۴۳) سوره بقره، آیه ۱ - ۳.

(۴۴) سوره زخرف، آیه ۸۶.

(٤٥) كمال الدين، ج ١، ص ١٩.

(٤٦) فرائد السمطين، ج ٢، ص ٢٣٤ باب ٦١؛ الحاوي للفتاوى، ج ٢، ص ٨٣ الاذاعه، ص ١٣٧؛ عقد الدرر، ص ١٥٧.

(٤٧) كمال الدين،

ج ٢، ص ٣٤.

(٤٨) ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ص ٤٣٣ - ٤٣٦.

(٤٩) الاذاعه، ص ١٤٦.

(٥٠) مجله التمدن الاسلامی، شماره ٢٢، ص ٦٤٣، چاپ دمشق.

(٥١) مجله الجماعه الاسلامیه، سال نخست شماره ٣، ذیقعدہ ١٣٨٨، چاپ حجاز.

(٥٢) سوره انبیاء، آیه ١٠٥.

(٥٣) سوره نور، آیه ٥٥.

(٥٤) توبه، (٩)، آیه ٣٣.

(٥٥) مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٥٥٨؛ مسند احمد، ج ٢، ص ٣٨.

(٥٦) مسند احمد، ج ٣، ص ١٧؛ سنن ابی داوود، ج ٤، ص ١٥٢.

(٥٧) بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٩٠، باب ٢٧، حدیث ٢١٢؛ اثبات الهداه، ج ٣، ص ٥٨٤.

(٥٨) سنن ابن ماجه، ج ٢، حدیث ٤٠٨٦؛ تاریخ بخاری، ج ٣، ص ٣٤٦.

(٥٩) مسند احمد، ج ٣، ص ٣٦؛ مسند ابی یعلی، ج ٢، ص ٢٧٤، حدیث ٩٨٧؛ صحیح ابن حبان، ج ٨، ص ٢٩٠ - ٢٩١، حدیث ٦٨٧٤؛ مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٥٥٧.

(٦٠) بحار الانوار، ج ٥١، ص ٤٣، حدیث ٣٢.

(٦١) جامع ترمذی، ج ٤، ص ٥٠٥؛ مسند احمد، ج ١، ص ٣٧٦.

(٦٢) مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٥٥٧.

(٦٣) تاریخ بخاری، ج ٣، ص ٣٤٦؛ سنن ابی داوود، ج ٤، ص ١٠٧، حدیث ٤٢٨٤؛ الغیبه، شیخ طوسی (ره)، ص ١١٤؛ سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١٣٦٨، حدیث ٤٠٨٦.

(٦٤) عقد الدرر، ص ١٣٥، باب ٦؛ بحار الانوار، ج ٥، ص ٨١؛ العطر الوردی، ص ٥٤.

(٦٥) مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٥٥٧. سنن ابی داوود، ج ٤، ص ٢٠٦؛ كشف الغمه، ج ٣، ص ٢٢٧؛ اثبات الهداه، ج ٣، ص

٤٠٠، غاية المرام، باب ١٤١، حديث، ٤٧، بحار الانوار، ج ٥١، ص ٩٠، حديث ٣٩.

(٤٤) سنن ابن ماجه، ج ٢، حديث ٤٠٨٨؛ مجمع الزوائد،

ج ٧، ص ٣١٨؛ كترالعمال، ج ١٤، حديث ٣٨٦٥٧.

(٦٧) مسند احمد، ج ٥، ص ٢٧٧؛ مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٥٠٢؛ جامع الصغير، سيوطي، ج ١، ص ١٠٠، حديث ٤٦٨.

(٦٨) بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨٧، باب ١، حديث ٣١، حليه الابرار، ج ٢، ص ٧٠٩، باب ٥٤، حديث ٨٧؛ اثبات الهداه، ج ٣، ص ٥٩٩، باب ٣٢، حديث ٥٩.

(٦٩) عقد الدرر، ص ١٢٩، باب ٥؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨٤، باب ١.

(٧٠) صحيح مسلم، ج ٤، ص ٢٢١، حديث ٧.

(٧١) غيبت نعماني، ص ١٣٣.

(٧٢) احتجاج طبرسي، ج ٥، ص ٧.

(٧٣) غيبت نعماني، ص ١٤٩.

(٧٤) صحيح مسلم، ج ١، ص ١٣٧.

(٧٥) صحيح بخاري، ج ٤، ص ٢٠٥.

(٧٦) بحار الانوار، ج ٥٢، ص ١٩١، حديث ٢٤.

(٧٧) عقد الدرر، ص ٢٥، باب ١، جامع الصغير، ج ٢، ص ٥٤٦؛ كترالعمال، حديث ٣٨٦٧٣.

(٧٨) مسند احمد، ج ١، ص ٨٤؛ سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١٣٦٧، باب ٣٤، حديث ٤٠٨٥.

(٧٩) كمال الدين، ج ١، ص ٣١٧، حديث ١.

(٨٠) همان، ج ١، ص ٥٢، باب ٦، حديث ١٥.

(٨١) عقد الدرر، ص ٢٢٢، باب ٩؛ فرائد الفكر، ص ٩، باب ٤.

(٨٢) كتاب سليم بن قيس، ص ١٠٣، غيبت نعماني، ص ٨١، باب ٤، حديث ١٠، اثبات الهداه، ج ١، ص ٥١٢، باب ٩.

(٨٣) مسند احمد، ج ٣، ص ٣٦؛ مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٥٥٧؛ صحيح ابن حبان، ج ٨، ص ٢٩٠.

(٨٤) بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨٢، باب ١، حديث ٢٢.

٨٥) سنن ابى داوود، ج ٤، ص ١٠٧؛ مسند احمد، ج ١، ص ٩٩، مصنف ابن ابى شيبه، باب ٣٢١.

٨٦) غيبه طوسى رحمه الله، ص ٢٨؛ ابيات الهداه، ج ٣، ص ٢٤١، باب ٢٤.

٨٧) عقد الدرر، ص ١٤٤ -

١٤٥، باب ٧، القول المختصر، ص ٥، باب ١، حديث ١٠، الاذاعه، ص ١٢٥؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٨٣؛ كشف الغمه، ج ٣، ص ٢٦٣.

(٨٨) صحيح مسلم، ج ٤، ص ٤٣٢٢، باب ١٨، حديث ٢٩١٣؛ بحار الانوار، ج ٢٨، ص ١٨، باب ١، حديث ٢٥.

(٨٩) صحيح بخارى، ج ٢، ص ١١٤؛ صحيح مسلم، ج ٣، ص ٨٤، كنز العمال، ج ١٤، ص ٢٢٢، ح ٣٨٤٨٣.

(٩٠) صحيح مسلم، ج ١، ص ٩٤.

(٩١) كمال الدين، ص ٣٣٠، ح ١٦.

(٩٢) المهدي المنتظر في الاحاديث الصحيحه، دكتور بستوى، ص ٣٠.

(٩٣) الروض الأنف، سهيلي، ج ١، ص ٦٠.

(٩٤) فتح الباري، ج ١٣، ص ٣١٢.

(٩٥) المهدي المنتظر، بستوى، ص ١٢٧.

(٩٦) البدايه و النهايه، ج ٦، ص ٢٤٨.

(٩٧) الاذاعه صديق حسن خان، ص ١١٣.

(٩٨) همان، ص ١١٤.

(٩٩) عقيدته اهل السنه و الاثر في المهدي المنتظر، ص ١٦.

(١٠٠) رجال نجاشي، ص ٢٦؛ فهرست طوسي (ره)، ص ١١.

(١٠١) فهرست طوسي، ص ٩١، رقم ٣٧٨.

(١٠٢) رجال نجاشي، ص ١٥.

(١٠٣) فهرست طوسي، ص ٢٥ و ٢٦، رقم ٦٧.

(١٠٤) رجال نجاشي، ص ٣٤، رقم ٧٢.

(١٠٥) رجال نجاشي، ص ٥٨، رقم ١٣٧؛ فهرست طوسي، ص ٥٣، رقم ١٨٦.

١٠٦) رجال نجاشى، ص ٢٨، رقم ٧٤١.

١٠٧) همان، ص ٣٢٦ و ٣٢٧، رقم ٨٨٧.

١٠٨) رجال نجاشى، ص ٢٥٣، رقم ٦٦٤

١٠٩) همان، ص ١٥، رقم ١٣؛ فهرست طوسى رحمه الله، ص ٣، رقم ٢.

١١٠) همان، ص ٣٥٠، رقم ٩٤٢.

١١١) الذريعه، ج ١٦، ص ٧٥، ٣٧٢.

١١٢) همان، ج ١٧، ص ١ و ٣.

١١٣) همان، ج ٢٢، ص ١٨٩.

١١٤) فهرست طوسى رحمه الله، ص ١٦٤، رقم ١١٥.

١١٥) الذريعه، ج ٢٥، ص ١٣٤.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات قرآنی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹